

### Abstract

THE CREATION OF THE ZONES DEVOID OF NUCLEAR WEAPON HAS BEEN A PROACTIVE MEASURE TO PREVENT THE PROLIFERATION OF NUCLEAR WEAPONS, THE DISARMAMENT REGIME IN SOME REGIONS WAS AT THE REQUEST OF THE STATES AND IN SOME OTHER PLACES IT WAS IMPOSED. MOSTLY THIS DISARMAMENT REGIME HAPPENED TO THE COUNTRIES WITH MEDIUM AND SMALL POWERS. IT HAPPENED MORE SUCCESSFULLY AND SOONER IN THE AREAS WHERE NONE OF THE REGIONAL COUNTRIES WERE EQUIPPED WITH WEAPONS, WHEREAS IN THE AREAS WHERE ONE OF THE COUNTRIES HAD NUCLEAR WEAPONS, IT ENCOUNTERED WITH A LONG PAUSE OR WAS FAILED.

THIS RESEARCH SPECIFICALLY EVALUATES THE CHALLENGES AND OBSTACLES OF CREATING AND CONTRACTING A ZONE DEVOID OF NUCLEAR WEAPONS IN THE MIDDLE EAST. THE ARTICLE BELIEVES THAT THE EXISTENCE OF ISRAEL'S NUCLEAR WEAPONS, THE NON-MEMBERSHIP OF THIS REGIME IN THE NPT TREATY, THE ADOPTION OF A NUCLEAR DETERRENCE STRATEGY AND THE POLICY OF AMBIGUITY ON THE PART OF THIS REGIME HAVE SERIOUSLY HINDERED THE CREATION OF SUCH A ZONE. THE MIDDLE EAST AVOID OF NUCLEAR WEAPONS PLAN HAS AN INTELLECTUAL AND POLITICAL LOGIC AND SUPPORT, AND ADDRESSING THIS ISSUE CAN LEAD TO SOME KIND OF SECURITY ARRANGEMENTS THAT WILL LEAD TO THE CREATION OF A SUSTAINABLE SECURITY IN THE COMPLEX SECURITY OF MIDDLE EAST IN THE LONG RUN.

KEY WORDS: NUCLEAR WEAPONS, TREATY, MIDDLE EAST, SECURITY

## سابقه طرح موضوع خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای: چالش‌ها و موانع

محمد رضا دهشیری<sup>۱</sup> مهین سیا منصور<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

### چکیده

ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای اقدام پیش‌دستانه و پیشگیرانه در جهت جلوگیری از سلاح هسته‌ای بوده است و رژیم خلع سلاح در برخی نقاط به خواست ملت‌ها بوده و در برخی نقاط دیگر تحمیلی بوده است و عمدتاً این خلع سلاح برای کشورهای با قدرت متوسط و کوچک اتفاق افتاده است و در نواحی که هیچ کدام مجهز به سلاح نبودند موفق‌تر و زودتر اتفاق افتاده و در نواحی که یکی از کشورها دارنده سلاح هسته‌ای بوده با وقفه طولانی همراه بوده یا با شکست روبرو شده است. این پژوهش به‌طور خاص به ارزیابی ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه و چالش‌ها و موانع ایجاد چنین معاهده‌ای در خاورمیانه می‌پردازد و روشن خواهد ساخت که وجود سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل، عدم عضویت این رژیم در معاهده‌ی ان پی تی و در پیش گرفتن راهبرد بازدارندگی هسته‌ای و سیاست ابهام از سوی این رژیم، ایجاد چنین منطقه‌ای را با مانع جدی روبه‌رو کرده است. طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دارای منطق و پشتوانه فکری و سیاسی شده است و پرداختن به این موضوع می‌تواند موجب نوعی ترتیبات امنیتی شود که به در بلندمدت منجر به ایجاد یک اجتماع امنیتی و امنیت پایدار شود.

واژگان کلیدی: سلاح هسته‌ای، معاهده، خاورمیانه، امنیت

<sup>۱</sup> استاد تمام علوم سیاسی دانشکده وزارت خارجه، تهران، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی گرایش صلح و امنیت دانشکده وزارت امور خارجه، تهران. ایران (نویسنده مسئول).

خاورمیانه شاید مهم‌ترین منطقه در جهان است که همه کشورها از جمله قدرت‌های بزرگ برای خود منافع حیاتی در آن تعریف کرده‌اند و حضور مستحکم در این منطقه یکی از معیارهای قدرت و حفظ منافعشان به شمار می‌رود. سلاح هسته‌ای برای اولین بار توسط آمریکا در جنگ جهانی دوم تولید و مورد استفاده قرار گرفت و وحشت و نگرانی عظیم جامعه جهانی از امکان به کارگیری این سلاح‌ها از یک سو و رقابت شدید قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به آن از سوی دیگر منجر به پیدایش حوزه جدید بین‌المللی در زمینه خلع سلاح شد با دستیابی اعضای دائم شورای امنیت به این سلاح‌ها، مرحله تلاش هماهنگ و مورد توافق این گروه برای حفظ انحصار خود و جلوگیری از اشاعه آن در سطح بین‌المللی آغاز شد. معاهده عدم اشاعه و اشاره بند ۷ آن به ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای موجب شد تا طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای به سبب تراکم انواع سلاح‌های مهلک در این منطقه مطرح شده که در دهه ۷۰ به دلیل رقابت‌های شوروی و آمریکا خاورمیانه بازار اسلحه بود علاوه بر آن در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی میزان سلاح‌های کشتار جمعی شد یکی از پیامدهای جنگ سرد بروز خطر تولید این سلاح‌ها بود چراکه احتمال درگیری هسته‌ای میان برخی کشورها را افزایش داده بود و اندیشه امحای سلاح‌های کشتار جمعی از نظر سیاسی هم مقبول به نظر می‌رسد.

پس از جنگ ۱۹۷۳ بین اعراب و اسرائیل خطر که در جریان آن خطر توسل اسرائیل به سلاح هسته‌ای برای مقابله پیشروی نیروهای مصر در صحرای سینا به طور جدی مطرح بود و نگرانی ایران از دست‌یابی رژیم صهیونیستی به سلاح هسته‌ای و تصویب آن پی تی توسط شورای ملی موجب شد تا در دهه ۱۹۷۰ ایران طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را مطرح کند. این پیشنهاد برای اولین بار از سوی ایران مطرح و توسط مصر حمایت شد در کنفرانس بازنگری آن پی تی در سال ۱۹۹۵، علاوه بر تمديد نامحدود آن پی تی، منجر به تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و اعمال فشار بیشتر بر اجرای این طرح شد. تحقق این موضوع با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو بوده است و با گذشت چندین دهه از طرح آن همچنان در مراحل اولیه شکل‌گیری است و علی‌رغم اینکه قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه در این زمینه اجماع نظر دارند اما به سبب مخالفت رژیم اسرائیل و حمایت آمریکا از آن روند تحقق این امکان با مشکلات جدی مطرح شده است. این پژوهش به طور خاص به ارزیابی ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه و چالش‌ها و موانع ایجاد چنین معاهده‌ای در خاورمیانه می‌پردازد و سؤال اصلی این است که سابقه طرح موضوع خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای چیست؟ پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی روشن خواهد ساخت که اقدامات مجامع بین‌المللی با استاندارد دوگانه همراه بوده و وجود سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل، عدم عضویت این رژیم در معاهده‌ی آن پی تی و در پیش گرفتن راهبرد بازدارندگی هسته‌ای و سیاست ابهام از سوی این رژیم، ایجاد چنین منطقه‌ای را با مانع جدی روبه‌رو کرده است.

### سابقه طرح موضوع خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

سلاح هسته‌ای در واقع خطرناک‌ترین سلاح بر روی کره زمین است که در واقع منجر به کشته شدن میلیون‌ها نفر و به خطر انداختن محیط زیست و نسل بشر خواهد شد و در بلندمدت اثرات فاجعه باری بجا خواهد گذاشت. تاکنون ۲۰۰۰ آزمایش هسته‌ای در جهان برگزار شده و خلع سلاح هسته‌ای بهترین محافظ در برابر چنین تهدیداتی است و دست‌یابی به آن با چالش‌های

دشواری روبروست (UN, 2021). حدود جغرافیایی منطقه عاری از سلاح در خاورمیانه بر اساس پژوهش فنی که در ۲۹ اوت ۱۹۸۹ آژانس بین‌المللی در مورد ابزارهای اجرای بازرسی‌ها در منطقه عاری از سلاح هسته‌ای منطقه جغرافیایی را شامل اتحاد جماهیر لیبی در غرب، ایران در شرق و سوریه در شمال و یمن در جنوب می‌داند. بنا بر تقاضای ایران عنوان ایجاد مناطق عاری از سلاح یعنی سلاح هسته‌ای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه را داد و در دستور کار بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. دولت ایران در ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۴ ضمن ارسال یادداشتی توضیحی به سازمان ملل این نکته را خاطرنشان کرد که تحولات در منطقه لزوم فوری به این مسئله را ایجاد می‌کند که پیشرفت دول منطقه در زمینه فن‌آوری هسته‌ای خطر گسترش هسته‌ای را فراهم می‌آورد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد مناسب‌ترین جایگاه برای بیان این موضوع به خاطر غامض بودن تحدید حدود جغرافیایی و منافع امنیتی کشورها برای اتخاذ تصمیم در این زمینه است. نظر دولت ایران بر این بود که چنین منطقه‌ای تا آنجایی که امکان دارد باید وسیع و فراگیر باشد. با هشت روز و به دنبال مذاکرات گستره ایران و مصر، مصر تصمیم به حمایت از ایران می‌گیرد. این گفت‌وگوها و مشورت‌ها منجر به ایجاد تفاهم‌نامه دوجانبه برای تغییر موضوع ایجاد منطقه عاری هسته‌ای به ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای شد و هر دو دولت لفظ سلاح هسته‌ای را به‌عنوان موضوع موردنظر در دستور کار مجمع قرار می‌دهند و همچنین حق استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهند. بدین ترتیب سال ۱۹۷۴ ایران و مصر به‌صورت مشترک طرح قطعنامه‌ای را به کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم کردند و در همین سال طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای به تصویب مجمع عمومی رسید و اولین قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۱۹۷۴ در مجمع عمومی به تصویب رسید (موسویان و دیگران، ۲۱۷:۱۳۸۷). شرایط خاصی که بین ایران و مصر تأثیر داشت ناشی از ایجاد جو تفاهم میان مصر و اسرائیل پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ (همچنین در طول جنگ ۱۹)، مشخص شدن اینکه منطقه در آستانه ورود به مرحله‌ای جدید هسته‌ای و توجه به اینکه اسرائیل در صورت شکست با سلاح‌های متعارف و یا در صورتی که سرزمین‌های آن در معرض خطر قرار می‌گرفت از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای دفاع می‌کرد. این طرح باهدف بازداشتن رژیم صهیونیستی از گسترش و یا استفاده از سلاح هسته‌ای صورت گرفت زیرا برخورد هسته‌ای در خاورمیانه خطر برخورد دو ابرقدرت را در پی داشت چراکه دو ابرقدرت تسلیحات را در اختیار طرفین قرار می‌دادند. متعاقباً موضوع به گفت‌وگو گذاشته شد و دولت مصر برخی اصول را برای مذاکره در خور ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه را از جمله دول منطقه باید از تولید، اکتساب یا تصاحب سلاح هسته‌ای اجتناب کنند؛ همچنین دول هسته‌ای بایستی از ارائه سلاح‌های هسته‌ای به منطقه و یا کاربرد آن‌ها علیه دولت‌های منطقه خودداری کنند را پیشنهاد کرد.

پیشنهاد مشترک ایران و مصر در سال ۱۹۷۴ ضرورت ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه با تصویب قطعنامه ۳۲۶۳ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تأکید قرار گرفت و این اولین قطعنامه در زمینه ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است و از آن زمان به بعد این ضرورت هر ساله توسط اجلاس‌های مجمع عمومی با صدور قطعنامه

<sup>۱</sup> قطعنامه ۳۲۶۳ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۴

مورد تصویب و تأکید قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در مورد واکنش‌ها بین‌المللی نیز این نکته حائز اهمیت است که تمام کشورها از این ابتکار استقبال کردند و پنج عضوی که دارای سلاح اتمی بودند نیز از این طرح حمایت کردند و به نفع آن رأی دادند اما رژیم صهیونیستی از رأی دادن خودداری کرد. برای مخالفت اسرائیل دو موضوع مطرح می‌شود: مسئله اول اینکه در دهه ۶۰ یک کمیته در اسرائیل تشکیل شد که طی آن عنوان شد کشمکش اعراب و اسرائیل باید غیر اتمی باشد و انتخاب تسلیحات اتمی در خاورمیانه یک اشتباه است و مسئله دیگر وجود تأسیسات اتمی رژیم صهیونیستی در دی مونا بود. گرچه این رژیم نمی‌خواست با دادن روی مثبت خیال اعراب را از نبودن تهدید هسته‌ای از جانب خود راحت کند اما امتناع رژیم اسرائیل و دستیابی آن به سلاح هسته‌ای هرگونه امکان ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه و حتی توافق در مورد کلیات آن را نیز با شکست مواجه ساخت. به‌رحال از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۷ مجمع عمومی همه‌ساله در این موضوع را در دستور کار خود قرار داده است و سالانه قطعنامه‌های را در این مورد به تصویب رساند با مخالفت اسرائیل روبرو بود اما در سال ۱۹۸۰ برای اولین بار طرح قطعنامه پیشنهادی با اجماع پذیرفته شد. یکی از دلایلی که از سال ۱۹۸۰ موفقیت عظیمی در روند خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای رخ داد و از این سال تا ۱۹۹۷ همه قطعنامه‌ها به صورت اجماع یعنی با حمایت اعراب و رژیم صهیونیستی و ایران تصویب شد. در این زمینه دو واقعه در تغییر موضع اصولی اسرائیل مؤثر بود: اول انعقاد قرارداد صلح بین اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹، قرارداد صلح کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل راه را برای صلح خاورمیانه هموار می‌کرد؛ دوم علنی شدن برنامه‌های عراق در جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین استفاده این دولت از سلاح شیمیایی در طول جنگ تحمیلی خود علیه ایران.

مصر در پیشنهاد خود سازوکار منطقه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کند اما اسرائیل در اقدامی عمدی در اولین پیش‌نویس قطعنامه خود در سال ۱۹۸۰ به کمیته اول مجمع آن را ارائه کرد که از همه دولت‌های خاورمیانه و مجاور این منطقه می‌خواهد در اسرع وقت به منظور مذاکره در مورد معاهده برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه اقدام کنند؛ پیشنهادی‌های اسرائیل بر محور سازوکار عمدی است و مذاکره با اعراب را نوعی به رسمیت شناختن دولت یهود می‌داند. در دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی به ابتکار دولت مصر با پیشنهاد قطعنامه ۴۳/۶۵ از دبیر کل می‌خواهد برای تسهیل ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه گروهی از کارشناسان را امور نماید که در مورد اقدامات مؤثر در روند پیشرفت و تحقیق آن را جستجو کنند (Nonproliferation, 2001).<sup>۲</sup> گزارش دبیر کل در سال ۱۹۹۰ با اجماع به تصویب مجمع عمومی رسید قطعنامه A/۴۵/۴۳۵ مجمع عمومی به موجب این گزارش اطمینان‌بخش باید بر اساس این گزارش بر ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه باشد. دبیر کل طی گزارشی که پیشنهاد کرد به‌عنوان اولین قدم کلیه تمامی دولت‌های منطقه به کنوانسیون عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای ملحق شوند و این اقدام در راستای مواردی که در این قطعنامه به آن اشاره می‌شود شامل:

- منع آزمایش اتمی در منطقه
- اجرای بازرسی آژانس در همه مورد تأسیسات هسته‌ای و در حال کار در زمین و دولت‌های منطقه‌ای
- الحاق آن‌ها به ان پی تی

<sup>1</sup>SEE: Res 3263 (XXIX), 9 December 1974, ESTABLISHMENT OF NUCLEAR-WEAPON-FREE ZONE IN THE REGION OF THE MIDDLE EAST

<sup>2</sup>See: <http://www.nonproliferation.eu/documents/backgroundpapers/hautecouverture.pdf>

- تسلیم دولت‌ها منطقه به عدم استفاده از مواد شکاف پذیر قابل استفاده در ساخت سلاح‌های هسته‌ای

- برنامه‌های صلح جویانه

- تعهدات تمامی دولت‌ها منطقه به عدم حمله به تأسیسات هسته‌ای و مقرراتی برای شفاف‌سازی طرح‌های عظیم

هسته‌ای

همچنین در این قطعنامه از همه دولت‌های منطقه عضو اتحادیه عرب و ایران خواسته می‌شود به معاهده عدم اشاعه

پیوندند به جز کشور ترکیه که عضویت در پیمان نظامی ناتو دارد (Prawitz & Leonard, 1996:60).

در سال ۱۹۹۰ حسی مبارک تشکیل منطقه عاری از انواع سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه را پیشنهاد داد. این موضوع در کنفرانس خلع سلاح ژنو مورد بحث قرار گرفت<sup>۱</sup> که نه تنها هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی و موشک‌های بالستیک در منطقه ممنوع خواهد بود. این پیشنهاد در اجلاس خلع سلاح مورد بررسی قرار گرفت و با استقبال مجمع عمومی نیز مواجه شد. گرچه مذاکرات برای عدم بر اختلافات موجود در خاورمیانه دشوار است اما مشورت‌های انجام گرفته در روند تهیه گزارش سازمان ملل متحد در سازمان ۱۹۹۰ آشکار ساخت که رژیم صهیونیستی و دولت‌های منطقه اردن، مصر در بسیاری از مسائل در خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای مواضع مشترکی دارند. تفاوت طرح مصر و رژیم صهیونیستی تفاوت نظر و دیدگاه‌های نسبت به پیمان عدم اشاعه آژانس بین‌المللی اتمی نهفته است که دولت مصر پیدایش نظام حقوقی تنظیم تسلیحات در خاورمیانه را موکول به الحاق کلیه کشورها به آن پی تی و نیز پذیرش نظام بازرسی‌های جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داند (به جز رژیم صهیونیستی همه کشورهای منطقه عضو هستند) اما رژیم صهیونیستی ایجاد نظام حقوقی را جایگزین پیمان عدم اشاعه می‌داند و بازرسی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را ناقض می‌داند و بر این اعتقاد است که اقدامات نظارتی و تحقیقاتی باید به تنهایی توسط دولت‌های منطقه مورد مذاکره قرار گیرد. از جمله مباحثی که در این معاهده به آن پرداخته شد تعیین رابطه میان تضمین‌های امنیتی کشورهایی که تا اول ژانویه ۱۹۶۷ موفق به ساخت سلاح هسته‌ای شده بودند و کشورهای که فاقد آن سلاح بودند. بیم این کشورها این بود که با تصویب این معاهده از سلاح هسته‌ای بی‌بهره خواهند بود و از طرفی بیم داشتند که مورد حمله اتمی قرار گیرند. به منظور کاهش این نگرانی سه کشور آمریکا، شوروی و انگلستان در سال ۱۹۶۸ قطعنامه ۲۵۵ شورای امنیت را به تصویب رساند که حاوی تضمین‌های بود اما کشورهای اتمی آن را جدی نگرفت. تضمین‌های امنیتی فراسوی قطعنامه ۲۵۵ شورای امنیت خواهد بود گرچه دولت منطقه‌ای مورد تجاوز قرار گیرد ضامن به قربانی کمک خواهد کرد و متجاوز را مجازات و اقدامات امنیتی لازم را انجام خواهد داد قطعاً روش‌های تحقیقی و نظارتی گسترده‌تر از نظارت و بازرسی مندرج در پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای لازم الاجرا خواهد بود.

موضوع پنج عضو اصلی و دارنده سلاح هسته‌ای در ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دوگانه بوده است چرا که آمریکا در زمان تصویب قطعنامه ۳۶/۸۷ که در محکومیت اسرائیل به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای و غیرهسته‌ای عراق رأی مخالف صادر کرد. همچنین این دولت‌ها در اجلاس پاریس ۱۹۹۱ با صدور اعلامیه از هدف ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه حمایت کردند و معتقد و بودند که باید گام‌های عملی برداشته شود. در مذاکرات منجر به تصویب

<sup>1</sup>Doc. CD/989 in 20 avril 1990

<sup>۲</sup> سند کمیته خلع سلاح به شماره CD/989 مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۹۰

قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت، بسیاری از اعضای شورای امنیت ابراز امیدواری کردند که شاهد از بین رفتن کامل سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی در منطقه خاورمیانه باشند.<sup>۱</sup> این قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت که پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تصویب شد بر ضرورت خاورمیانه غیر اتمی شده تأکید ورزید. در این قطعنامه که حاوی ترتیبات قاطعی در جهت انهدام کلیه سلاح‌های کشتار جمعی عراق است از تمامی دولت‌های خاورمیانه می‌خواهد که اقدامات مؤثری به منظور عاری ساختن این منطقه از این گونه سلاح‌های اتخاذ کنند.

اجرای کامل قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت در زمینه خلع سلاح عراق بود تصویب برای تنظیم تسلیحات منطقه و ارائه همه فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها منطقه و بازرسی آژانس بین‌المللی اتمی، ممنوعیت واردات و تولید سلاح هسته‌ای تأکید می‌کنند (S/RE/687, 1991). شورای امنیت در آن زمان انهدام سلاح‌های کشتار جمعی در عراق را به‌عنوان گامی در جهت خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه ارزیابی کرده بود و آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این طرح که با اجماع پذیرفته شد، با استناد به قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت و اعلامیه ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ که تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی علیه صلح تلقی می‌کند و همچنین ماده ۷ کنوانسیون منع گسترش سلاح هسته‌ای در خصوص ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای از اینکه کماکان برخی از تأسیسات هسته‌ای خاورمیانه مورد بازرسی آژانس بین‌المللی اتمی قرار نمی‌گیرد اظهار نگرانی شده و از همه دولت‌ها خواسته شده تا به این کنوانسیون ملحق شوند.<sup>۲</sup> همچنین در قطعنامه ۵۱/۴۱ مصوب دسامبر ۱۹۹۶ نیز با اشاره به ۲۳ قطعنامه قبلی در این خصوص با تأکید بر حق دولت‌ها بر استفاده صلح‌جویانه از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و با تأیید اینکه ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای عمیقاً به تحکیم صلح و امنیت منجر خواهد شد و با استقبال از ابتکاراتی که برای خلع سلاح کامل و عمومی خاورمیانه بخصوص سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه به‌عمل آمده، از تمامی طرف‌های ذی‌ربط می‌خواهد که اقدامات فوری و عملی را برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه انجام داده و همه کشورهای منطقه به معاهده عدم اشاعه بپیوندند و همچنین از این دولت‌ها خواسته می‌شود تا دست‌به‌دست به تولید، آزمایش یا تحویل سلاح‌های اتمی نزد و اجازه استقرار این سلاح‌ها را در خاک خود ندهند. اسرائیل به دنبال افشاگری یکی از متخصصین مرکز هسته‌ای دی مونا در رابطه با یک برنامه هسته‌ای نظامی<sup>۳</sup> و بعدها با اظهارات نخست‌وزیر سابق اسرائیل اهود اولمرت به فهرست دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای افزوده شد.<sup>۴</sup> دلیل برای اثبات وجود فعالیت‌های هسته‌ای در جهت مقاصد نظامی در اسرائیل امتناع دائم این رژیم، باوجود درخواست‌های شورای امنیت، از تحت بازرسی آژانس قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای خود هست.<sup>۵</sup> افزون بر آن، موشک‌های دوربرد بانام هاریون را به سلاح‌های هسته‌ای تجهیز کرده است.<sup>۶</sup>

<sup>1</sup>Doc, N. U.NPT/Conf 1995/32/Res I.

<sup>2</sup>Res Dos NPT/Conf.1555/32/Res.

<sup>3</sup>Sunday Times – 5 October 1986

<sup>4</sup>Interview. Cf. Le Monde at December 2006

<sup>5</sup> قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت که بعد از حمله اسرائیل به راکتور تموز عراق صادر شد و همچنین: Res. GC (52) Res/15(2008)

<sup>6</sup>Le monde in 14 October 2003

## معاهده عدم اشاعه و ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه

نظام عدم اشاعه سنگ بنای نظام رژیم جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و هدف از برگزاری کنفرانس‌های بازنگری برای پیشبرد اهداف خلع سلاح هسته‌ای و خلع سلاح عمومی و کامل و توسعه همکاری‌ها برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است (UN, 2021). تصمیم در مورد فرایند بازنگری معاهده این گونه اتخاذ شد که کنفرانس بازنگری همانند ۲۵ سال گذشته، هر ۵ سال یک‌بار تشکیل شود. سلاح هسته‌ای در واقع خطرناک‌ترین سلاح بر روی کره زمین است که در واقع منجر به کشته شدن میلیون‌ها نفر و به خطر انداختن محیط‌زیست و نسل بشر خواهد شد و در بلندمدت اثرات فاجعه باری بجا خواهد گذاشت تاکنون ۲۰۰۰ آزمایش هسته‌ای برگزار شده و خلع سلاح هسته‌ای بهترین محافظ در برابر چنین تهدیداتی است و دستیابی به آن با چالش‌های دشواری روبروست (UN, 2021).

### روند شکل‌گیری نظام عدم اشاعه

در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی با تصویب قطعنامه‌ای " کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل " را بنا نهاد که هدف آن برچیدن کامل سلاح‌های هسته‌ای و استفاده از انرژی هسته‌ای تحت نظارت و کنترل بین‌المللی برای تحقق اهداف صلح‌آمیز و غیرنظامی بود که این هدف کماکان پابرجاست. آمریکا در مقابل این موضوع واکنش نشان داد و " طرح باروخ " را به کمیسیون پیشنهاد داد و طرحی را هم شوروی پیشنهاد کرد که تفاوت این دو زیاد بود هیچ‌کدام اجرای نشدند اما مسئله کنترل بین‌المللی بعد از سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا تحت عنوان " اتم برای صلح " در سال ۱۹۵۲ در مجمع عمومی مورد بازنگری قرار گرفت در این طرح خلع سلاحی نبود بلکه هدف آن سهم شدن کشورها در منافع انرژی اتمی بود اجلاس در سال ۱۹۵۶ در سازمان ملل برگزار شد و آژانس انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ رسماً آغاز بکار کرد (غریب آبادی، ۱۳۸۱). هدف آمریکا از این کار نظارت بیشتر بین‌المللی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای بود و به‌ویژه مواد هسته‌ای شکاف‌پذیر که شوروی سابق در حال دستیابی به آن بود. به همین دلیل بود که به خاطر عدم موافقت شوروی سابق آژانس بین‌المللی نتوانست نظام بازرسی خود را با عنوان " نظام حراست " نیز مشهور است و هدف آن اطمینان بخشی از کاربرد انرژی اتمی در جهت تحقق مقاصد غیرنظامی حراستی توسط جامعه انرژی اتمی اروپا (اوراتوم) اعمال شد.

پس از آنکه چین، فرانسه، شوروی، انگلیس و آمریکا سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش کرده و توسعه داده بودند مجمع عمومی سازمان ملل چند قطعنامه به تصویب رساند که مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۶۶۵ بود که در آن به نکات زیر توجه شده بود امضا توافقی بین‌المللی توسط تمامی کشورها بالأخص کشورهای هسته‌ای که به موجب آن تعهد کنند از صرف نظر کردن از کنترل سلاح‌های هسته‌ای و انتقال اطلاعات لازم برای تولید سلاح هسته‌ای به کشورهای فاقد سلاح خودداری کنند و مقرراتی که به موجب آن کشورهای غیرهسته‌ای تعهد کنند این قبیل سلاح‌ها را تولید نکنند و یا آن را به دست نگیرند. مجمع عمومی در قطعنامه ۲۰۲۸ خود از کمیته ۱۸ نفره خلع سلاح خواست تا بر موضوع عدم تکثیر سلاح هسته‌ای توجه فوری داشته باشند و مذاکرات درباره معاهده بین‌المللی خود را شروع کنند مجمع عمومی در این قطعنامه مواردی را تصریح نمود بر اساس آن معاهده دنبال شد که بعداً متون مختلف پیش‌نویس معاهدات توسط آمریکا و شوروی سابق به مجمع عمومی و کمیته ۱۸ نفره خلع سلاح تسلیم شد و نهایتاً پیش‌نویس معاهده عدم اشاعه سلاح هسته‌ای نیز در سال ۱۹۶۸ توسط کمیته ۱۸ نفری خلع سلاح

به مجمع عمومی تسلیم شد که مجمع نیز طی قطعنامه‌ای شماره ۲۳۷۳ آن را به تصویب رساند و از سال ۱۹۷۰ نیز لازم‌الاجرا شد.

### کنفرانس بازنگری و تمدید معاهده در ۱۹۹۵

هم‌زمان با آغاز کنفرانس پنجم، تعداد اعضای معاهده به ۱۷۸ کشور رسید. محور رقابت در کنفرانس ۱۹۹۵ به‌جای رقابت شرق و غرب به رقابت شمال و جنوب تبدیل شده بود. در این کنفرانس در تمامی موارد اساسی معاهده اختلاف نظر شدید وجود داشت، به‌گونه‌ای که در هیچ زمینه‌ای نتوانست به اجماع دست یابد، حتی در مورد تمدید معاهده که توافق در کنفرانس صورت گرفت، علی‌رغم فشارها و تلاش‌های پشت پرده، کنفرانس با اجماع تصمیم نگرفت، بلکه با عدم توسل به رأی معاهده به‌طور نامحدود تمدید شد (NPT/CONF.1995). در کنفرانس بازنگری و تمدید معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ که منجر به تمدید نامحدود این کنوانسیون شد، دولت‌های عضو جامعه عرب با ارائه طرحی از اسرائیل خواستند تا به این کنوانسیون ملحق شود و بازرسی تأسیسات هسته‌ای خود را توسط آژانس بین‌المللی اتمی بپذیرد. آمریکا که به‌هیچ‌وجه مایل نبود که سیاست اسرائیل مورد انتقاد قرار گیرد متذکر شد که دولت‌های عمان، جیبوتی و امارات متحد عربی نیز که تاکنون به این کنوانسیون نییوسته‌اند بییونند و اسم این سه کشور در قطعنامه قید شود که این موضع با مخالفت سه دولت مذکور مواجه شد و نهایتاً تصمیم گرفته شد آمریکا، انگلستان و فدراسیون روسیه به‌عنوان سه امین کنوانسیون طرح قطعنامه را به کنفرانس عرضه کنند. در میان کنفرانس‌های بازنگری معاهده عدم اشاعه، کنفرانس سال ۱۹۹۵ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که به نام کنفرانس تمدید و بازنگری معاهده نام‌گذاری شد در سال ۱۹۹۵ در جلسات مقدماتی آن موضوع خلع سلاح هسته‌ای به‌عنوان شرط ضروری برای تمدید معاهده از سوی تعداد قابل توجهی از کشورها مطرح شد موضع مشترک کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز بر این مبنا شکل گرفت که دیدگاه خود را بر روح معاهده و نیز وظیفه مندرج در ماده ۶ آن بنا نهند. بر این اساس ضرورت توافق کشورهای هسته‌ای در مورد تاریخ معینی برای خلع سلاح هسته‌ای به‌عنوان پیش‌شرط تمدید معاهده از سوی جنبش عدم تعهد مطرح شد و امتناع کشورهای دارای سلاح هسته‌ای از پذیرش این تعهد در سه جلسه مقدماتی، نهایتاً به شکست جلساتی شد. با توجه به تحولات خلع سلاح در دهه ۹۰ فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی، موفقیت آمریکا در عراق و بالکان و همراهی اصرار کشورهای اروپای غربی با تمدید نامحدود بدون شرط معاهده به‌رغم مواضع اصولی خود بر ضرورت تعیین تاریخ خلع سلاح به‌عنوان شرط تمدید معاهده منصرف شدند بلکه همراه با کشورهای هسته‌ای و اروپای غربی در اجلاس تمدید و بازنگری سال ۱۹۹۵ بانی قطعنامه تمدید نامحدود شد.

### نتایج کنفرانس ۱۹۹۵

در این کنفرانس معاهده به‌صورت نامحدود تمدید اما در اعلامیه‌های توافق شده به‌عنوان نتیجه کنفرانس تمدید برخی از نگرانی‌های کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به تعهد کلی خلع سلاح هسته‌ای، ضرورت جهان‌شمولی معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه و تضمین‌های امنیتی منفی مبنی بر عدم به‌کارگیری سلاح هسته‌ای علیه کشورهای غیرهسته‌ای مورد توجه قرار گرفت. برخی از کشورهای در حال توسعه چون نیجریه مالزی و مصر در نطق اختتامیه ناراضی‌تبی شدید خود را از تمدید نامحدود معاهده ابراز داشتند غربی‌ها و به‌ویژه دول هسته‌ای به رهبری آمریکا فشارهای زیادی علیه کشورهای جهان سوم به کار گرفتند تا آنان را وادار به پذیرش تمدید نامحدود معاهده کند.



## ارتباط تصمیم تمدید ان پی تی و خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

سه پیش‌نویس در مورد تمدید ان پی تی به‌طور رسمی به کنفرانس شد، پیشنهاد تمدید نامحدود معاهده را ارائه داد.

۱. پیش‌نویسی که توسط کانادا و ۱۱۰ کشور دیگر حمایت می‌شد، پیشنهاد تمدید نامحدود معاهده را ارائه داد.  
۲. پیش‌نویسی که توسط مکزیک طرح و مورد حمایت قرار گرفت تمدید نامحدود معاهده را در نظر قرار داشت ولی آن را منوط به پذیرش هم‌زمان چندین تعهدات کنترل تسلیحاتی به‌ویژه توقف تمام آزمایش‌های هسته‌ای و کاهش بیشتر زرادخانه‌های هسته‌ای باهدف نهایی نابودی کلی آن‌ها نموده شد.

۳. پیش‌نویسی که توسط اندونزی و ۱۳ کشور عضو عدم تعهد مورد حمایت قرار گرفت و پیشنهاد تمدید ان پی تی را در دوره‌های ۲۵ ساله ارائه داد، مگر اینکه کنفرانس با اکثریت آرا تصمیم دیگری را اتخاذ نماید. بالاخره در ۱۱ مه ۱۹۹۵ کنفرانس اعضا بدون رأی‌گیری، معاهده را به‌صورت نامحدود تمدید کرد.<sup>۱</sup> مهم‌ترین اقدام قابل توجه در زمینه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دستاورد تمدید ان پی تی در سال ۱۹۹۵ است که طی آن کشورها عضو معاهده با اکثریت آرا سند پایانی را تصویب کردند که جزء لاینفکی از آن سند، قطعنامه مربوط به خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای بود این واقع در اصل اوج پیشرفت تلاش‌ها در جهت خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای بود. از این رو کنفرانس بعدی در سال ۲۰۰۰ برگزار شد. این تصمیم نیز بدون توسل به رأی‌گیری تصویب شد (پیشین). در این کنفرانس موضوعات مربوط به اجرای مفاد معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و تصمیمات کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ توسط شرکت‌کنندگان به بحث و بررسی گذاشته شد که در نهایت با ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از قطعنامه‌ای که در رابطه با خاورمیانه در کنفرانس بازنگری ان پی تی تصویب شد، تفکیک‌ناپذیر است.<sup>۲</sup>

## نظارت با پادمان، پروتکل الحاقی و خلع سلاح

دولت وقت عراق با استفاده از کارشناسان حقوقی خود در قرارداد پادمان توانسته بود ضمن ارتباط قوی با آژانس در حوزه فعالیت‌های اعلام‌شده هم‌زمان به‌طور مخفیانه اقدامات قابل توجهی را به‌منظور تولید سلاح هسته‌ای پیگیری کند فریب‌کاری عراق به‌اندازه‌ای بود که آژانس در زمان تجاوز اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای تموز در سال ۱۹۸۱ رسماً صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌اش را مورد تردید قرارداد. با حمله عراق به کویت و تصویب قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت، بازرسی‌های گسترده‌تر از عراق چنین مطرح شد که دولت عراق به‌رغم اطمینان آژانس از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای آن توانسته است خارج از چارچوب فعالیت‌های اعلام‌شده تا مرز دستیابی به سلاح هسته‌ای پیشروی کند. این تأثیر منفی جدی بر اعتماد بین‌المللی نسبت به‌نظام پادمان هسته‌ای گذاشت لذا مذاکراتی در آژانس به‌منظور دستیابی به توافق جدید باهدف بستن مفرهای قانونی احتمالی برای تأسیسات اعلام‌نشده آغاز شد. در واقع بعد از این ماجرا اجرای پادمان نقش حیاتی و کلیدی در تشخیص انحراف از اشاعه انرژی هسته‌ای به سمت انحراف برای سلاح هسته‌ای دارد که طبق ان پی تی اشاعه انرژی صلح‌آمیز پذیرفته‌شده ولی تولید سلاح هسته‌ای منع شده است؛ بنابراین معاهده عدم اشاعه، روش مورد استفاده در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بانام

<sup>1</sup>Unilidir, newsletter, Genève, no31, 1995, p.9.

<sup>2</sup>NPT/CONF. 1995/32 Decision I, 11 may 1995

پادمان هسته‌ای جهت کسب اطمینان از عدم انحراف فعالیت‌های صلح‌آمیز به فعالیت‌های نظامی را به‌عنوان سازوکار نظارتی خود مورد شناسایی قرار داده است.

آژانس انرژی اتمی برای اجرای پیشنهاد "اتم برای صلح" به‌منظور گسترش فناوری هسته‌ای و هم‌زمان کسب اطمینان از عدم انحراف آن به سلاح هسته‌ای طی دهه ۵۰ میلادی تشکیل شده بود و در اجرای اهداف خود قراردادهای پادمان را جهت نظارت ایجاد نمود گرچه ایجاد پادمان‌های آژانس با توجه به فضای سیاسی و حقوقی بین‌المللی غالب در زمان تأسیس آژانس و تصویب ان.پی.تی یک اقدام سد شکنانه در قبال حاکمیت مطرح بود به دلیل ملاحظات حاکمیتی و امنیتی با محدودیت‌های قابل توجهی نیز مواجه بودند. قرارداد پادمان عواقب سنگینی را در صورت تخلف از تعهد عدم انحراف به سمت فعالیت‌های نظامی در مورد تأسیسات اعلام‌شده برای کشورها برقرار می‌کند و سازوکار قابل‌ملاحظه‌ای را برای نظارت و راستی‌آزمایی ایجاد می‌کند. اما این سازوکار به دلیل شرایط سیاسی و حقوقی زمان تدوین، امکان کسب اطمینان از فقدان فعالیت‌های نظامی هسته‌ای اعلام‌نشده در قلمرو کشورهای عضو را برای آژانس فراهم نمی‌کند. یک دولت با اعلام نکردن، کلیه فعالیت‌های خود در زمینه انرژی هسته‌ای می‌تواند در قالب پادمان از نظارت آژانس بر این فعالیت‌ها جلوگیری کند چنین اقدامی تخلف دولت پنهان‌کننده محسوب شده و در صورت افشا می‌تواند به تنبیهات جدی علیه آن دولت منجر شود. اما قراردادهای پادمان هسته‌ای سازوکاری در اختیار آژانس به‌منظور جلوگیری از چنین تخلفات و کسب اطمینان از کامل بودن اعلامیه‌های دولت‌ها قرار نمی‌دهد نمونه برجسته این مشکل، آشکار شدن نقص پادمانی آژانس توسط عراق در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی بود و در ۱۹۹۷ آماده امضا و توافق بین آژانس و کشورهای مختلف شد که به نام پروتکل الحاقی نامیده می‌شود.

بر اساس پادمان و پروتکل الحاقی دولت‌ها از وظایف خود و عدم امکان راستی‌آزمایی توسط بازرسان می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای دولت‌های متهم به تخلف یا قصور از انجام تعهدات خود به همراه داشته و حتی اقدامات اجرایی شورای امنیت بر اساس فصل هفت منشور ملل متحد را نیز منجر شود. در چارچوب مقررات پادمان و اساسنامه موظف است موارد نقض یا عدم پایبندی دولت‌ها را به اطلاع اعضای معاهده، مجمع عمومی و شورای امنیت برساند تا شورا بر اساس اقدامات موردنظر خود را به اجرا گذارد و اقدامات شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای کره شمالی و ایران با استفاده از این سازوکار صورت گرفته است در مجموع این فعالیت‌ها بر خلع سلاح پیشدستانه تأکید داشت.

تصمیم در مورد اهداف و اصول ان پی تی و خلع سلاح که پیش‌نویس آن توسط آفریقای جنوبی به کنفرانس ارائه شده بود و بدون رأی‌گیری نیز به تصویب رسید، مقیاسی است برای اندازه‌گیری پیشرفت در برآورده ساختن تعهدات کشورهای عضو مندرج در معاهده، این تصمیم موارد ذیل را مطرح می‌کند:

- از غیر اعضای ان پی تی می‌خواهد که به این معاهده ملحق شوند.
- انعقاد معاهده‌ای در مورد منع آزمایش هسته‌ای توسط کنفرانس خلع سلاح تا سال ۱۹۹۶.
- آغاز و انعقاد فوری مذاکراتی در مورد کنوانسیون منع تولید مواد شکافنده سلاح‌های هسته‌ای
- تعقیب تلاش‌های سیستماتیک توسط کشورهای هسته‌ای برای کاهش سلاح‌های هسته‌ای در سطح جهانی باهدف نهایی انهدام این سلاح‌ها.

- تعقیب خلع سلاح کامل و عمومی تحت کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی توسط تمامی کشورها.
  - تشویق به توسعه مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه در مناطق تنش‌زا مانند خاورمیانه.
  - اعطای تضمین به کشورهای غیرهسته‌ای عضو ان پی تی در مقابل استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای.
  - شفافیت در کنترل صادرات مواد هسته‌ای اعمال شود.
  - اعضای ان پی تی باید وارد موافقت‌نامه‌ای تضمینی جامع با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شوند
  - حمله یا تهدید به حمله به امکانات هسته‌ای که با مقاصد صلح‌آمیز هسته‌ای اختصاص دارند، امنیت هسته‌ای را به مخاطره انداخته و نگرانی‌های جدی را در مورد کاربرد یا اعمال حقوق بین‌الملل راجع به اعمال زور در چنین مواردی، افزایش می‌دهد.
  - نگرانی ناشی از عدم پایداری به موافقت‌نامه‌ای تضمین توسط دیگر اعضا را باید در کنار مدارک و اطلاعات مستند مستقیماً به سازمان‌های بین‌المللی انرژی اتمی برای بررسی، تحقیق و به نتیجه رساندن و تصمیم در مورد اتخاذ اقدام مقتضی لازم مطابق با مسئولیتش منتقل نمود (همان: ۱۲-۱۱).
- نکته‌ای را در مورد تصمیم ۱۹۹۵ در مورد آینده و دید نامحدود ان پی تی باید ذکر نمود و آن اینکه این مسئله در اثر تلاش‌های فشرده دیپلماتیک غربی‌ها و کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفت. برای آمریکا دست‌یابی به تمدید نامحدود این معاهده یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی‌اش بود. بسیاری از کشورهای درحال توسعه از تمدید نامحدود ان پی تی حمایت نمی‌کردند و ترسشان از تثبیت همیشه تقسیم بین هسته‌ای و غیرهسته‌ای‌ها و جنبه قانونی بخشیدن به وضعیت هسته‌ای‌ها تا ابد بود. کنفرانس وزرای غیر متعهدها که در آوریل ۱۹۹۵ در باندونگ برای اتخاذ موضعی مشترک در مورد تمدید ان پی تی برگزار شده بود، یک شکست یا ناکامی بود چراکه این جنبش طی اعلامیه‌ای اعضایش را در حمایت از هرگونه فرمول تمدید ان پی تی مختار گذاشت. اهمیت و آثار گسترده معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای در حوزه اشاعه عمودی و افقی سلاح‌های غیرقابل تردید است. نکته قابل توجه این است که این معاهده تعهد جدیدی را برای کشورهای عضو ان پی تی ایجاد نمی‌کند، اگرچه سازوکارهای مداخله‌جویانه جدیدی را برای حصول اطمینان از نقض ان پی تی پیش‌بینی کرده است.
- معاهده هسته‌ای بیشتر به جلوگیری از دستیابی کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به توانمندی‌های گسترده‌تر هسته‌ای معروف به سلاح "اشاعه عمودی" مرتبط است و محدودیت‌های جدیدی را برای کشورهای عضو ان پی تی و خارج از آن ایجاد می‌کند و تصویب آن همیشه خواست کشورهای غیرهسته‌ای بوده است و این معاهده یکی از معاهدات بین‌المللی در حوزه خلع سلاح به شمار می‌رود.

### کشورهای هسته‌ای ناقضان اصلی اجرای مواد ۱ و ۲ معاهده عدم اشاعه<sup>۱</sup>

کنفرانسی که ۱۹۹۵ که بعد از خلع سلاح عراق صورت گرفت این واقعیت مطرح شد که از سوی عموم کشورها که غیر از عراق و کره شمالی، کشورهای غیرهسته‌ای دیگر به تعهدات خود بر اساس ماده ۲ عمل کرده‌اند، درحالی که کشورهای

<sup>1</sup>NPT, Conf, 1995/ MC.1.MAY 1995.P.9.

عدم تعهد معتقد بودند که قدرت‌های هسته‌ای به تعهدات خود بر اساس ماده ۱ عمل نکرده‌اند و استدلال این بود که هسته‌ای شدن یا در آستانه هسته‌ای قرار گرفتن برخی اعضا مانند رژیم اشغالگر قدس و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی جز با کمک قدرت‌های هسته‌ای معین، امکان‌پذیر نبوده است و کشورهای درحال توسعه با اشاره به این نکته از وجود استاندارد دوگانه در اجرایی این دو ماده کاملاً ناراضی بودند. از نظر این گروه درعین حالی که برخی کشورهای غیر عضو معاهده در اجرای برنامه‌های غیر صلح‌آمیز خود از کمک و حمایت کشورهای هسته‌ای برخوردار بوده‌اند، کشورهای غیرهسته‌ای عضو و پایبند به معاهده در اجرای برنامه‌های صلح‌آمیز خود از سوی دول هسته‌ای با مشکل روبرو بوده‌اند و این به معنای نادیده گرفتن حق مشروع و غیرقابل تفکیک این کشورها است که از سوی دول هسته‌ای نقض شده است.<sup>۱</sup>

این استاندارد دوگانه بر اساس ملاحظات و منافع سیاسی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای اعمال شده و انتقاد شدیدی نیز از رژیم‌های کنترل و تصمیمات محرمانه در طول کنفرانس صورت گرفته است، لذا به اصرار کشورهای عدم تعهد در متن بیانیه نهایی کنفرانس عباراتی گنجانده شد که اصل شفافیت در کارگروه‌های کنترل صادرات مرتبط با مسائل هسته‌ای از طریق گفتگو و همکاری بین همه کشورهای عضو و ذی‌نفع ارتقا یابد، همچنین به ابتکار ایران، کنفرانس تأکید کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها نهاد ذی‌صلاح برای نظارت بر آن پی‌تی هست و هر کشوری که در تأیید رعایت پایبندی کشوری دیگر تردید داشته باشد، بایستی اطلاعات خود را همراه با شواهد و دلایل کافی به آژانس ارائه کند تا آژانس بر اساس اختیارات خود تصمیم‌گیری نماید.<sup>۲</sup> همچنین کنفرانس بار دیگر با صراحت بر حق غیرقابل تفکیک کشورهای عضو برای توسعه، تحقیق و استفاده از انرژی هسته‌ای تأکید کرد. اجرای ماده ششم معاهده عدم اشاعه در اختیار دارندگان سلاح هسته‌ای است کشورهای غیرهسته‌ای معتقد بود که مسابقه تسلیحاتی خاتمه نیافته و کشورهای هسته‌ای نیز اقدام مهمی در جهت نیل به خلع سلاح نهایی و کامل انجام نداده‌اند. کشورهای غربی به این نکته استدلال می‌کردند که انعقاد قراردادهای سالت و استارت و نیز برخی اقدامات محدود بین آمریکا و شوروی سابق به معنای پایان مسابقه تسلیحاتی و اقدام اساسی در از میان بردن سلاح‌های هسته‌ای بوده است درحالی که این اقدام بیشتر یک اقدام کنترل تسلیحات به شمار می‌رود تا خلع سلاحی و در مناطق عاری از سلاح هسته‌ای موارد حقوقی ذکر شده یک اصل حقوقی حاکم بر رژیم نظارتی این مناطق به شمار می‌رود.

### معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای (ctbt)

معاهده منع محدود آزمایش‌های هسته‌ای این موضوع در سال ۱۹۶۳ بر اثر فشارهای کشورهای غیرهسته‌ای به تصویب رسید اما شرایط جنگ سرد هرگونه توافق در گسترش دامنه این معاهده را ناممکن ساخت مذاکرات جدی برای گسترش دامنه این معاهده منع محدود آزمایش‌های هسته‌ای از سال ۱۹۹۳ بعد از فروپاشی شوروی در کنفرانسی آغاز شد تا ممنوعیت هرگونه آزمایش هسته‌ای را مورد مذاکره قرار داده و آماده امضا کند این مذاکرات به مدت سه سال در کنفرانس خلع سلاح ادامه یافت اما به دلیل اختلاف نظر کشورها در موضوعات مختلفی همچون نظام‌های بازرسی و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات با موفقیت همراه نبود نهایتاً کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۹۶ از تهیه و ارائه متن مورد توافق کلیه کشورهای عضو بازماند. طرفداران اصلی معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای که اکثراً کشورهای اروپایی و کشورهای حاشیه‌های اقیانوس آرام (به

<sup>1</sup>NPT, Conf, 1995/DC/crop, May 1995, pp.1-2.

<sup>2</sup>NPT, Conf, 1995/1, May 1995/1, May 1995, para 17 and 9.

دلیل انجام وسیع آزمایش‌های هسته‌ای در آن حوزه طی سال‌های پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی) بودند. بدون توجه به شکست کنفرانس طرح مستقیماً به مجمع عمومی ارائه شد و در سپتامبر ۱۹۹۶ موفق به تصویب با بیش از دوسوم آرای اعضا شد. با وجود امضای معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای توسط ۱۸۵ کشور و تصویب آن از سوی نزدیک به ۱۵۰ کشور، این معاهده همچنان به دلیل عدم تصویب توسط کلیه کشورهای دارنده توان هسته‌ای لازم‌الاجرا نشده است. معاهده منع جامع هسته‌ای آزمایش‌های هسته‌ای با شناسایی ۴۴ کشور دارای سلاح هسته‌ای یا دارای توان بالقوه برای تولید سلاح، لازم‌الاجرا شدن معاهده را منوط به امضا و تصویب معاهده توسط این کشورها کرده است. این کشورها شامل پنج عضو کشور شناخته‌شده هسته‌ای عضو دائم شورای امنیت به همراه هند، پاکستان و اسرائیل و کره شمالی است که به‌رغم داشتن سلاح هسته‌ای از شناسایی بین‌المللی برخوردار نیستند.

بر اساس تقسیم کشورها به دارندگان سلاح هسته‌ای و دیگران، مواد ۱ و ۲ معاهده عدم اشاعه یا ان پی تی وظایفی را برای کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و یک‌رشته وظایف دیگر را برای کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای تعیین می‌کند. بدین ترتیب، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای از تلاش برای دستیابی به این سلاح امتناع خواهند کرد و کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای از انتقال آن به سایرین خودداری می‌کنند. نوآوری دیگر معاهده عدم اشاعه، ایجاد سازوکار نظارتی است که در ماده ۳ این معاهده به شکل نظارت آژانس و کشورها صورت می‌گیرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور توسعه استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و اطمینان از عدم انحراف آن در دهه ۵۰ میلادی و قبل از تصویب معاهده عدم اشاعه تأسیس شده بود، معاهده عدم اشاعه وظیفه نظارت را در چارچوب نظام ورود و بازرسی بین‌المللی در حوزه صلاحیت انحصاری کشورها در سرزمین خود را فراهم می‌آورد گرچه ابتدا این امر به‌صورت اختیاری و داوطلبانه بود اما رفته‌رفته توسعه یافت و به سمت الزامی شدن نزدیک شد. پایه دوم معاهده یعنی حق برخورداری از انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز در بند ۱ ماده ۴ ان پی تی مورد تأکید قرار گرفت این بند نه تنها حق غیرقابل انتزاع کشورها برای دستیابی به انرژی هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد، بلکه تصریح می‌کند که هیچ‌یک از مقررات مندرج در معاهده نمی‌تواند خلدشده‌ای بر این حق وارد کند. در بند ۳ ماده ۳ معاهده در بحث نظارت تصریح شده که نظارت آژانس نباید به شکلی اعمال شود که مانع از دستیابی کشورها به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای شود، در بند ۲ ماده ۴ از تأکید بر حق برخورداری از انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز فراتر رفته و بر ضرورت همکاری در حوزه انتقال فناوری صلح‌آمیز اصرار می‌ورزد، در ماده ۵ معاهده این امر به‌عنوان وظیفه‌ای برای کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای در مقابل سایر کشورها به رسمیت شناخته شده است و به همین دلیل مهم‌ترین حوزه عملیاتی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نظارت نیست بلکه کمک به توسعه و انتقال فناوری به کشورهای درحال توسعه بیشترین توان علمی، عملیاتی و میدانی آژانس را به خود اختصاص داده است.

### کنفرانس بازنگری معاهده در ۲۰۰۰

در کنفرانس سال ۲۰۰۰ مجموعاً ۱۸۷ کشور جهان به عضویت این معاهده درآمده بودند و تنها رژیم صهیونیستی اسرائیل، پاکستان، کوبا و هند خارج از آن به سر می‌برند. این کنفرانس که اولین کنفرانس بازنگری بعد از تمدید نامحدود معاهده بود در نیویورک برگزار شد. دولت‌های ذی‌نفع از این پس باید جهت اعتمادسازی متقابل در راستای تضمین ایجاد چنین منطق‌های در خاورمیانه مذاکرات جدی در پیش گیرند. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس ضمن

هشدار در مورد عواقب سیاست‌های آمریکا که می‌تواند به ازسرگیری رقابت‌های تسلیحاتی دامن بزند، به میزان سلاح‌های هسته‌ای (۳۵۰۰۰) در زرادخانه‌های قدرت‌های بزرگ اشاره و از تداوم هسته‌ای این قدرت‌ها انتقاد نمود (Washington post, 2000:18). کوفی عنان بیان کرد که عضویت ۱۸۰ کشور جهان در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نشانی برای اهمیت جهانی آن است، اما هیچ کس از میزان اجرای آن تاکنون راضی نبوده است. وی افزود که در آستانه قرن ۲۱ منازعه هسته‌ای امکانی واقعی است چراکه حدود ۳۵ هزار سلاح هسته‌ای همچنان در زرادخانه‌های قدرت‌های هسته‌ای وجود دارد و هزاران سلاح نیز به حالت آماده‌باش استقرار یافته است. از سوی دیگر فشار روزافزونی که اخیراً برای استقرار دستگاه‌های دفاع موشکی اعمال می‌شود تازه‌ترین مشکل در حوزه خلع سلاح هست. دیپلمات‌های ارشد کشورهای جهان در سخنرانی‌های خود در این کنفرانس تأکید کردند که آمریکا در جهت تضعیف پیمان‌های بین‌المللی در خصوص کنترل سلاح‌های هسته‌ای حرکت می‌کند و با پیگیری مصرانه اجرای برنامه سیستم دفاع موشکی خود به آرامی مسابقه تسلیحاتی جدیدی را در جهان دامن می‌زد (تلتکس، ۱۳۹۲) (تلکس ویژه خبرگزاری ج.ا.ایران، ۱۳۷۹).

۱۷۸ کشور جهان در پایان اجلاس یک‌ماهه بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با امضای یک سند نهایی توافق کردند تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای عمده جهان را متوقف کنند. بر اساس محتوای سند نهایی مصوب، قدرت‌های هسته‌ای عمده جهان در این اجلاس توافق کردند. هدف نهایی پیمان، عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح اتمی است. در سند نهایی، انعقاد فوری یک پیمان بین‌المللی جامع در زمینه توقف کامل آزمایش‌های هسته‌ای درخواست شده است. از نکات عمده سند این است که آمریکا برای نخستین بار پذیرفته است که در سند نهایی نام رژیم صهیونیستی اسرائیل به‌عنوان رژیم که اقدام به تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای می‌کند، ذکر شود. کشورهای خاورمیانه به‌طور یکپارچه در این اجلاس وجود زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل را به‌عنوان تهدیدی جدی برای منطقه دانستند و نسبت به امحای آن تأکید کردند. ۱۸۲ کشور فاقد سلاح هسته‌ای در جهان نیز بر این نکته تصریح کردند که رژیم صهیونیستی اسرائیل با برخورداری از زرادخانه بزرگ هسته‌ای تاکنون به انحای مختلف از امضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای طفره رفته است. با امضای سند نهایی این اجلاس، جامعه جهانی در یک اقدام بی‌سابقه رژیم صهیونیستی را ملزم کرد به پیمان یادشده بپیوندد و تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد. بر اساس سند نهایی، کنفرانس تصویب کرد نماینده ویژه‌ای را برای مذاکره با رژیم صهیونیستی اسرائیل برای اجرای مصوبات این اجلاس تعیین کند. در این اجلاس اعضای جامعه جهانی تأکید کردند که هیچ کشوری حق ندارد با هر بهانه‌ای سایر کشورهای عضو پیمان را در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محدود و محروم کند (تلکس وی، ۱۳۷۹). کشورهای عربی نیز در کنار سایر کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای در این اجلاس تلاش کردند با فشار آوردن به کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای اقدام‌های عملی برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای انجام دهند و از هند و پاکستان نیز خواستند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کنند. کشورهای غیرهسته‌ای نیز در این اجلاس هر پنج قدرت هسته‌ای جهان را به خاطر اینکه نتوانستند تعهدات خود را نسبت به معاهده یادشده برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی اجرا کند تحت فشار گذاشتند و در این میان آمریکا به خاطر حمایت‌های یک‌جانبه از رژیم صهیونیستی اسرائیل بیش از دیگر کشورها موردانتقاد قرار گرفت و در نهایت مجبور به پذیرش خواست جامعه جهانی شد. در

این کنفرانس هفت کشور مکزیک، برزیل، مصر، ایرلند، نیوزلند، افریقای جنوبی و سوئد با طرح ائتلاف برای کشور کار جدید، خواهان اقدام پنج قدرت هسته‌ای برای حذف کامل سلاح‌های هسته‌ای شدند و بدین منظور بیانیه‌ای صادر کنند و آمریکا را بیش از قدرت‌های هسته‌ای دیگر مورد انتقاد قرار گرفتن تمرکز بر مسائل منطقه‌ای به‌طور خاص از ویژگی‌های بارز این کنفرانس بود (تلکس ویژه خبرگزاری ج.ا.ایران، ۱۳۷۹).

ششمین کنفرانس بازنگری ان پی تی که بعد از تمدید نامحدود اولین کنفرانس بازنگری به شمار می‌رفت آن در سال ۲۰۰۰، با حضور ۱۸۷ کشور جهان به‌جز رژیم صهیونیستی اسرائیل، پاکستان، کوبا و هند در نیویورک برگزار شد و در حقیقت بعد از آنکه اختلافات موجود، کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ را تقریباً کم‌نتیجه گذاشت، کشورهای عضو توافق کردند که در سال‌های بعد به‌منظور آماده شدن برای کنفرانس سال ۲۰۰۰ چندین نشست برگزار کنند تا در آن، اهداف، اصول و راه‌های چگونگی تشویق به اجرای کامل پیمان بررسی شود. مجمع عمومی یک کمیته آمادگی و مقدماتی تشکیل داد و این کمیته تا برگزاری کنفرانس بازنگری سه بار تشکیل جلسه داد. موضوع همگانی کردن ان پی تی، عدم تکثیر هسته‌ای، خلع سلاح هسته‌ای، مذاکره درباره کنوانسیون منع تولید سوخت برای سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر مواد انفجاری، تضمین‌های امنیتی به کشورهای عضو ان پی تی، پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از جمله محورهای مذاکرات در کمیته‌های مقدماتی کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰ بود (غریب آبادی، ۱۳۸۱:۳۹). در این اجلاس علاوه بر انتقاد دائمی از کارشکنی قدرت‌های هسته‌ای بر سر خلع سلاح، طرح سپر دفاعی موشکی دولت ایالات متحده آمریکا مورد اعتراض شدید اعضا قرار گرفت. آن‌ها همچنین از اینکه سنای آمریکا پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را به تصویب نرسانده بود، نام اسرائیل را به‌عنوان کشور دارنده سلاح هسته‌ای در سند پایانی قید شود، هرچند که در عمل هرگز این خواسته تحقق پیدا نکرد (متین، ۱۳۸۴:۳۱). شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، به بحث و بررسی موضوع‌های مربوط به اجرای مفاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تصمیمات کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ پرداختند. در این کنفرانس هم کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای و هم کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای، با سند نهایی پیرامون سیزده گام عملی به‌منظور اجرای ماده ۶ پیمان، توافق کردند. این سیزده گام عبارت بودند از:

۱- امضا و تصویب معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای (CTBT)، به‌منظور تسریع در لازم‌اجرای شدن آن،

۲- توقف آزمایش انفجاری هسته‌ای تا زمان لازم‌الاجرا شدن (CTBT)

۳- ضرورت شروع مذاکرات در کنفرانس خلع سلاح (CD) در زمینه یک معاهده چندجانبه، بین‌المللی و قابل نظارت که تولید مواد شکاف پذیر مورد استفاده در سلاح‌های هسته‌ای با دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای را ممنوع نماید

۴- ضرورت ایجاد یک نهاد فرعی مناسب در کنفرانس خلع سلاح، با مأموریت بررسی خلع سلاح هسته‌ای

۵- اصل برگشت‌ناپذیری خلع سلاح هسته‌ای، اقدامات مربوط به کاهش یا کنترل تسلیحات هسته‌ای

۶- تعهد کشورهای هسته‌ای به انهدام کلیه زرادخانه‌های هسته‌ای خود، به‌گونه‌ای که به خلع سلاح هسته‌ای منجر

شود

۷- لازم اجراشدن و اجرای کامل استارت ۲ و انعقاد استارت ۳ و حفظ و تقویت معاهده ضد موشک‌های بالستیک (ABM)

۸- تکمیل و اجرای سه‌جانبه بین ایالات متحده آمریکا، روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۹- کشورهای هسته‌ای به‌منظور دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای، ثبات بین‌المللی و امنیت، اقدامات زیر را اتخاذ می‌کنند

- کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای خود به‌صورت یک‌جانبه،
- شفافیت در قابلیت‌های سلاح‌های هسته‌ای خود،
- کاهش بیشتر وضعیت عملیاتی سیستم سلاح‌های هسته‌ای،
- کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در سیاست‌های امنیتی،
- شروع هرچه سریع‌تر فرایند نابودی کامل سلاح‌های هسته‌ای خود،
- توقف تولید پلوتونیوم از سوی کشورهای هسته‌ای و قرار دادن مواد شکافنده‌ای که برای مقاصد نظامی موردنیاز نیستند، تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیگر ترتیبات بین‌المللی مربوط به آن، برای مصرف در مقاصد صلح‌جویانه،
- خلع سلاح کامل و عمومی تحت کنترل مؤثر بین‌المللی به‌عنوان هدف نهایی کشورها،
- ارائه گزارش منظم از سوی تمامی اعضای معاهده به کنفرانس بازنگری، در خصوص اجرای ماده ۶ معاهده
- توسعه بیشتر قابلیت‌های نظارتی (ابوالفتح، ۱۳۸۴: ۳۱).

## کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ دوران تغییر روند خلع سلاح است و جهان شاهد تحولات چشمگیری بوده است. مذاکرات دو‌جانبه آمریکا و روسیه معلق شده و آمریکا از پیمان ABM موشک‌های بالستیک خارج شد. در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، عوامل گروه القاعده خاک آمریکا را هدف قرار دادند و برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک و ساختمان عظیم پنتاگون در واشنگتن آماج هواپیماهای مسافربری روبروده شده توسط ۱۹ تبعه کشورهای عربی خاورمیانه قرار گرفتند. این حملات با حمله آمریکا به افغانستان در اکتبر همان سال پاسخ داده شد. ۱۷ ماه پس از آن، نیروهای آمریکایی و انگلیسی به بهانه نقض قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تلاش دولت صدام برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، خاک عراق را مورد تجاوز قرار دادند. ۲۱ روز پس از آغاز حمله نظامی، حکومت حزب بعث عراق سقوط کرد. در تمام این مدت مبارزه با تروریسم جهانی به رهبری القاعده و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دو ستون استراتژی جنگ بی‌انتهای دولت آمریکا را تشکیل می‌داد (United Nations Office for Disarmament Affairs, 2000). پیش از برگزاری کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵، سه کمیته مقدماتی در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ در ژنو و نیویورک نشست برگزار شد که به علت اختلاف نظر کشورها در زمینه موضوعات محتوایی، گزارشی پایانی در برنداشت، علت عمده اختلاف نظر کشورها این بود که بعضی کشورهای



هسته‌ای باهدف فرار از ۱۳ گام عملی مصوب اجلاس بازنگری ان پی تی در سال ۲۰۰۰ تلاش کردند موضوع پایبند نبودن کشورها به تعهدات خود را طبق ماده ۲ و ۳، مهم‌ترین موضوع اجلاس‌های کمیته‌های مقدماتی جلوه دهند. کشورهای غیرهسته‌ای هم به‌طور عمده در ۱۳ گام مصوب اجلاس بازنگری ۲۰۰۰ و همچنین تعهد کشورهای هسته‌ای طبق ماده ۶ درباره خلع سلاح هسته‌ای و ماده ۴ درباره تضمین حق کشورها برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید داشتند (جلیلی، ۱۳۹۲:۱۳). به‌هرحال در چنین شرایطی نمایندگان ۱۸۷ کشور عضو پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای راهی نیویورک شدن تا هفتمین اجلاس بازنگری پیمان ان پی تی را به مدت ۲۵ روز آغاز کنند. اصلی‌ترین محور مذاکرات اجلاس نیویورک، بحث بر سر غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی کشورها به این فناوری بود.

کشورهای صنعتی با هدایت ایالات متحده در تلاش بودند که قدرت هسته‌ای را مترادف تولید سوخت هسته‌ای نمایند. به اعتقاد این دسته از کشورها، هرگاه کشوری بتواند سوخت هسته‌ای تولید نماید، قادر خواهد بود در مدت‌زمان اندکی تأسیسات غیرنظامی غنی‌سازی اورانیوم را به تأسیسات نظامی از جمله تولید اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم تبدیل نماید. آنان همچنین به الگوی کره شمالی اشاره می‌کردند که تحت پوشش تولید انرژی برق، به ساخت نیروگاه اتمی و تأسیسات آب‌سنگین مبادرت کرد و هنگامی که در آستانه تولید بمب اتمی قرار گرفت، با خروج از پیمان ان پی تی، جهان را در مقابل عمل انجام‌شده قرار دهد. نگرانی غرب از تکرار الگوی کره شمالی از آنجا نشئت می‌گیرد که در پیمان ان پی تی یا پروتکل الحاقی، ضمانت اجرایی قوی برای بازداشتن کشورها از خروج از ان پی تی و رفتن به سوی برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای پیش‌بینی نشده است اگرچه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای رویه ارجاع به شورای امنیت را برای خروج اعضا در نظر گرفتند. اما در مقابل کشورهای درحال توسعه معتقدند فناوری سوخت هسته‌ای صرفاً یک فرایند نظامی نیست و چشم‌پوشی از آن روند توسعه صنعتی و اقتصادی این کشورها را به مخاطره می‌اندازد. واقعیت امر این است که تن دادن به خواست کشورهای صنعتی مبنی بر ممنوعیت به‌کارگیری چرخه سوخت هسته‌ای، کشورهای درحال توسعه را به قدرت هسته‌ای، وابسته می‌کند. درحالی‌که کشورهای هسته‌ای مراحل اعتمادسازی را دشوار می‌کند. البته دولت آمریکا در جریان برگزاری کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵ ان پی تی، اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند. تقویت مکانیسم نظارتی، ایجاد پلیس هسته‌ای برای تنبیه متخلفان به شورای امنیت سازمان ملل و جلوگیری از عضویت کشورهای مشکوک به برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دیگر پیشنهادها دولت آمریکا برای اجلاس نیویورک محسوب می‌شود. در مقابل، طرح آمریکا قیدشده است که کشورهای تولیدکننده سوخت هسته‌ای درازای «قیمتی منطقی» نیاز دیگر کشورها را تضمین کنند. به اعتقاد دولت مردان آمریکایی، تنها با چنین مکانیسمی، انگیزه کشورها برای ورود به صنعت پرخرج تولید سوخت هسته‌ای از میان خواهد رفت. در چنین صورتی دیگر جهان نگران به‌کارگیری «کشورهای یاغی و سرکش» از سلاح‌های هسته‌ای و یا استفاده آنان از سوی گروه‌های تروریستی به‌منظور باج‌خواهی از جهان متمدن نخواهد بود. در این میان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، محمد البرادعی پیشنهاد کرده است که کلیه کشورهای عضو ان پی تی به مدت حداقل پنج سال از ساخت و گسترش تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم خود صرف‌نظر نمایند که امکان دستیابی به توافق جدید مهیا شود. به‌هرحال آنچه مسلم است اینکه دستیابی به توافق جامع و فراگیر میان اعضای ان پی تی در هفتمین کنفرانس بازنگری به‌مراتب از شش کنفرانس قبلی دشوارتر بوده

است (دریایی، ۱۳۸۷: ۲۴). در این کنفرانس کمیته‌های اصلی تشکیل شد که این کمیته‌ها درباره موضوعات زیر فعالیت می‌کردند:

۱- کمیته بررسی مسائل مربوط به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و ماده ۴

۲- کمیته اصلی خلع سلاح

۳- کمیته بازرسی و کنترل تسلیحات مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای بخصوص خاورمیانه

این کمیته به بررسی ماده ۱۰ که به موضوع آن در رابطه با خروج از ان پی تی بود، می‌پرداخت (ابوالفتح، ۱۳۸۴). در این کنفرانس، ایرانی‌ها تلاش کردند که نظرات را به سوی تحقیقات و توسعه سلاح‌های هسته‌ای جدید و دفاع موشکی جلب نمایند، در ضمن پیشنهاد انعقاد یک معاهده الزام آور مدون در جهت تعهد به عدم استفاده یا تهدید به استفاده از تسلیحات هسته‌ای، تأکید بر حقوق اساسی دولت‌های عضو برای استفاده از فناوری‌های هسته‌ای جهت اهداف صلح‌آمیز و تأکید بر اجرای برنامه ۱۳ مرحله‌ای خلع سلاح از دیگر مسائل عنوان شده از سوی ایران بود. با توجه به اعلام خروج کره شمالی از ان پی تی در سال ۲۰۰۳ یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این کنفرانس پرداختن به این موضوع بود. کنفرانس در یک بیانیه شدیدالحن سرپیچی از هنجارها و الزامات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط کره شمالی را محکوم کرد و به پیونگ‌یانگ اعلام کرد تصمیم خود مبنی بر توقف کامل برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای اش اتخاذ نماید.

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این کنفرانس، موقعیت هند و پاکستان و اسرائیل بود. هند و پاکستان پس از آزمایش‌های هسته‌ای به طور رسمی به عنوان دارندگان تسلیحات هسته‌ای شناخته شده‌اند که البته معاهده ان پی تی را امضا نکرده‌اند و الزامات این معاهده در مورد آن‌ها صدق نمی‌کند؛ لذا عدم رعایت این شروط و الزامات تخطی محسوب نمی‌شود، تعدادی از کشورها از جمله سوئد خواستار تصویب معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای توسط هر دو کشور هند و پاکستان به عنوان گام اول اعتمادسازی بوده‌اند. در عین حال برخی دیگر معتقدند که بعید است هند و پاکستان تسلیحات هسته‌ای خود را کنار بگذارند، مگر در یک فرایند خلع سلاح که شامل پنج کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای نیز شود؛ اما اسرائیل با توجه به اینکه هیچ آزمایش انجام نداده و اصراری در اعلام هسته‌ای بودنش ندارد، از موقعیت متفاوتی برخوردار است. در واقع اسرائیل تنها دولت خاورمیانه‌ای است که تاکنون برنامه هسته‌ای خود را کنار نگذاشته است.

از چالش‌های اساسی معاهده تقابل دیدگاه‌های اعضا بر سر مواد ۲، ۴ و ۶ است؛ به طوری که کشورهای فاقد دانش هسته‌ای بر ضرورت اجرای کامل ماده ۴ معاهده که بر خورداری کشورهای غیرهسته‌ای از دانش هسته‌ای صلح‌آمیز را بیان می‌دارد، اصرار می‌کردند و کشورهای هسته‌ای بخصوص آمریکا خواستار بازتعریف این ماده بودند. از سوی دیگر درحالی که کشورهای بلوک هسته‌ای بر ضرورت اجرای ماده ۲ ناظر بر عدم حرکت کشورهای غیرهسته‌ای به سوی هسته‌ای شدن و تعهد بلوک هسته‌ای به عدم اشاعه دانش اتمی اصرار دارند، کشورهای فاقد دانش هسته‌ای و حتی آن دسته از اعضای ان پی تی نظیر ژاپن و آلمان که دارای دانش هسته‌ای صلح‌آمیز و نیروگاه اتمی بودند خواستار اجرای کامل ماده ۶ ان پی تی هستند (هیرو، ۱۳۸۴: ۱۰). در کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵، بسیاری از دولت‌ها به ۱۳ گامی که در کنفرانس بازنگری ۲۰۰۰ مطرح شده بود ابراز نارضایتی کردند. این اعتراضات تنها از سوی نمایندگان ایرانی مطرح نشده بود (سیف، ۱۳۸۴: ۱۲۱). برای مثال، نماینده

دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای از دولت‌های هسته‌ای خواست که به تعهداتی که در کنفرانس بازنگری ۲۰۰۰ داشته‌اند متعهد باشند (Islamic republic of Iran, 2005). بیانیه شدیدی که در این کنفرانس درباره عدم پایبندی عراق به ان پی تی ارائه شد، متقابلاً با واکنش‌های جدال‌آمیز نمایندگان آن روبرو شد، اما با وجود نبود نماینده‌ای از کره شمالی در این کنفرانس، هیچ‌گونه تبادل مشابهی بر سر اقدامات آن‌ها با وجود نیامد. اسرائیل نیز در این مورد بحث را مطرح کرد اما از اعلام نارضایتی آشکار خودداری کرد. در کمیته سوم برزیل، ژاپن و نیجریه همگی درباره اهمیت مطابقت با تعهدات خلع سلاح و منع گسترش توضیح دادند و اینکه اهمیت و اعتبار رژیم بستگی به معامله دوجانبه میان کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد آن بر سر این موضوعات دارد؛ اما در مقابل، آمریکا و دیگر کشورها استدلال کردند که تطابق با شروط ماده ۲، می‌بایست مقدم بر تمامی موضوعات دیگر باشد و اینکه استانداردها برای قضاوت درباره عدم تطبیق با این مواد، می‌بایست مجدداً مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا از وقوع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری شود (Reaching critical will, 2005:10). در نتیجه دیدگاه‌ها و مقاومت‌های زورمندانه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای کنفرانس بازنگری ان پی تی ۲۰۰۵ موفق به تصویب سند نهایی نشد. با این حال برخی معتقدند که آمریکا، ایران و مصر به‌عنوان سه کشور اصلی که کنفرانس بازنگری ان پی تی را در سال ۲۰۰۵ را به شکست کشاندند، شناخته می‌شوند (Martin, 2013).

### دلایل شکست کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵

کنفرانس هفتم بعد از تشکیل جلسات متعدد نتوانست سند نهایی را بر مسائل مهم و مورد نظر تنظیم کند اما این شکست تنها به دلیل عدم تصویب سند نهایی شکست نخورد بلکه به دلیل فقدان یک استراتژی مطمئن برای نشان دادن موضوعات و ایده‌های اساسی ناکام ماند. بدون تردید، دلیل نخستی که کنفرانس نتوانست به اجماع آرا برسد، اوضاع و احوال نامناسب سیاسی بود، البته شرایط نامناسب در کنفرانس ۲۰۰۰ با توجه به عدم تصویب معاهده منع جامع آزمایش هسته‌ای از سوی آمریکا و آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان نیز وجود داشت، اما دولت‌های تأثیرگذار برای رسیدن به توافق به صورت گسترده‌ای تلاش کردند. ناکامی به دست آوردن اجماع در سند نهایی قابل پیش‌بینی بود اما با رهبری متفاوت و استراتژی‌های مؤثر و سازنده این امکان وجود داشت که در کنفرانس ۲۰۰۵ اهداف منع گسترش با دیگر انواع بیانیه‌ها، توافقات و حتی قطعنامه‌های تحقق یابد.

عدم اتخاذ یک موضع مشترک به دلیل منافع ویژه بریتانیا و فرانسه به‌عنوان دارندگان سلاح‌های هسته‌ای در بین کشورهای اروپایی و نقش ویژه بریتانیا و فرانسه به‌عنوان هماهنگ‌کننده گروه کشورهای اروپای غربی از نفوذ خود در حمایت از آمریکا و فقدان یک استراتژی متقاعدکننده برای پیشبرد ایده‌های مهم‌ترین دلایل عدم ایفای نقش رهبری از سوی این اتحادیه بود. با وجود ابراز نگرانی در مورد خروج کره شمالی از ان پی تی و تجارت غیرقانونی مواد و تجهیزات هسته‌ای راهکار عملی در این مورد ارائه شد. به‌رغم اینکه اعضای این جنبش در مورد موضوع خلع سلاح توافق داشتند، در مورد مسائل جزئی‌تری چون انرژی هسته‌ای و چرخه اختلاف نظر داشتند چراکه تعدادی از آن‌ها نمی‌خواستند از اعضای خود در ان پی تی مثل ایران یا خارج از ان پی تی مثل هند و پاکستان انتقاد کنند. ضمن اینکه آن‌ها بر حق خود مبنی بر اینکه استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای شامل انرژی هسته‌ای و تلاش جهت منع دستیابی تروریست‌ها به ابزار و مواد هسته‌ای تأکید دارند. علاوه بر این، ضعف رهبری در ریاست کنفرانس نیز مشهود بود و نتوانست آن‌گونه که لازم بود در همگرایی نظرات شرکت‌کنندگان

و در نهایت تصویب بیانیه پایانی مورد توافق همه، موفق شود؛ اما مصر برخلاف نقشی که در ترغیب و تنش دولت‌های عرب برای حمایت از تصمیم تمدید و حتی پیوستن به معاهده در گروه‌های پیشین داشت؛ در جهت پیشبرد اجلاس با دستور کار رئیس کنفرانس مخالفت کرد و موقعیت کنفرانس اخیر را با مشکل مواجه ساخت. مصر خواهان درج نتایج کنفرانس سابق در دستور کار این کنفرانس و اجرای راهکار منع انتقال تجهیزات و فناوری به اسرائیل و بازداشتن از سفر به سرزمین‌های اشغالی از سوی دیگر بوده است.

با بررسی نارسایی و کاستی‌های باید گفت تبعیض تاریخی ان پی تی میان حقوق و الزامات داراها و ندارها در محیط امنیتی جدید بیش از پیش آشکار شد و اتفاقات متعددی چون خروج کره شمالی از ان پی تی و دستیابی سه کشور دو فاکتور به تسلیحات هسته‌ای موجب آسیب‌پذیری بیشتر رژیم شده است. با توجه به موارد مطروحه می‌توان ادعان کرد در سه ستون این معاهده (عدم اشاعه، خلع سلاح و استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای) شکاف‌هایی به وجود آمده است که این معاهده را بیش از پیش تبعیض‌آمیز جلوه می‌دهد. در واقع سازوکارهای منع گسترش معاهده بیشتر افقی است و از اشاعه تسلیحات هسته‌ای به کشورهای ندار جلوگیری می‌کند اما دولت‌های دارای این گونه تسلیحات می‌توانند با فراق بال به افزایش تسلیحات و بهبود شرایط آن پردازند. اهتمام آژانس به ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از قطعنامه‌ای که در رابطه با خاورمیانه در کنفرانس بازنگری ان. پی. تی در سالو با وفاق ملی به تصویب رسید، تفکیک‌ناپذیر است (NPT/CONF. 1995).

### **بازنگری ان پی تی ۲۰۱۰ و مصوبه کنفرانس خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی**

با توجه به شکست کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵ و فشارهای آشکاری که بر روی ان پی تی سنگینی می‌کرد و بیش از یک دهه است که افزایش یافته است، دستیابی کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ به سند نهایی، موفقیت بزرگی محسوب می‌شود. داشتن یک برنامه عملی چهار و پنج ماده‌ای دارای وجهه خوبی در نظر عموم و ویژگی منحصر به فردی برای این کنفرانس محسوب می‌شود (gronoff, 2005). اعضای اتحادیه عرب نیز در ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ و در نتیجه کنفرانس تمدید بازنگری ان پی تی و بخصوص بعد از تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح کشتار جمعی آن به پیمان مذکور ملحق شدند اکنون بر این باورند که در کنفرانس بازنگری و تمدید ان پی تی در سال ۱۹۹۵ گمراه شده‌اند چون سایر طرف‌های معاهده نه به وعده‌های خود عمل کردند و نه اصلاً چنین نیتی داشتند (Claudia & Harald, 2005:57). این قطعنامه از دولت‌های هسته‌ای نظامی نیز می‌خواهد که مساعدت خود را برای ایجاد این منطقه مبذول نموده و از هر گونه اقدام مغایر با نص روح قطعنامه حاضر بپرهیزند. کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ برای عملیاتی کردن ۱۳ گام عملی کنفرانس بازنگری ۲۰۰۰، طرح‌های توسعه درباره اجرای قطعنامه خاورمیانه که در کنفرانس ۱۹۹۵ مورد قبول واقع شد و قبول تضمین‌های امنیتی غیر مشروط برای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرد. جنبش عدم تعهد به طور شفاهی از منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه حمایت کرد و بر ورود اسرائیل به ان پی تی و قرار دادن تمامی امکانات هسته‌ای تحت نظر پادمان آژانس اصرار ورزید (Annan, 2005). هشتمین نشست بازنگری ان پی تی در سال ۲۰۱۰ در نیویورک برگزار شد که طی آن، درباره موضوعاتی چون خلع سلاح هسته‌ای، تقویت ایمنی هسته‌ای، گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، اجرای قطعنامه نشست ۱۹۹۵ درباره خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و نیز بررسی و تقویت تلاش‌های مدنی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در این نشست که از کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم هسته‌ای مصوب

سال ۲۰۰۵ در روسیه متأثر بود، ایالات متحده آمریکا کوشید با ترمیم وجهه بین‌المللی خود، زمینه را به‌منظور بهره‌برداری از فرصت ایجادشده برای القای سیاست‌هایش به دیگر کشورها فراهم سازد (جلیلی، ۱۲۵: ۱۳۹۲-۱۲۲). به‌رغم تلاش‌های به‌عمل آمده و اعلام آمادگی اکثر دولت‌های منطقه خاورمیانه به‌خصوص دولت‌های صاحب نفوذ، سیاست مبهم اسرائیل تاکنون مانع از ایجاد منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه شده است (UN, 1997:89).

در سال ۲۰۰۵ به دلیل مقاومت‌های زورمدارانه کشورهای دارای سلاح کنفرانس بازنگری در تصویب سند نهایی موفق نبود و این موضوع منجر به افزایش بی‌اعتمادی به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غرب، به‌طور اعم و ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌طور خاص شده است. علیرغم گذشت چندین سال از این قطعنامه اما پنج قدرت دارنده سلاح هسته‌ای که طبق ماده ۶ ان پی تی مسئول اجرای نظام عدم اشاعه هستند اقدام جدی و مؤثری را در چهارچوب ان پی تی در این زمینه انجام نداده‌اند و از سوی بسیار از کشورها موردانتقاد قرار گرفته‌اند (Kalinowski, 1998). درواقع، برخلاف پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌هایی که عضو چنین معاهداتی هستند، نمی‌توانند به دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای اجازه استقرار این سلاح‌ها را در قلمرو تحت حاکمیتشان بدهند؛ بدین‌وسیله این مناطق تحت وضعیتی قرار می‌گیرند که خصیصه بارز آن امحای کامل سلاح‌های هسته‌ای است. اما گذشته از این تفاوت معنایی، تعهداتی که بر عهده دولت‌های عضو قرار می‌گیرند همانند تعهداتی خواهند بود که دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای با پیوستن به ان. پی. تی می‌یابد عهده‌دار آن شوند، همانند تعهد به عدم دستیابی و در اختیار گرفتن سلاح‌های هسته‌ای و نیز اجرای موافقت‌نامه پادمان که با آژانس منعقد می‌کنند و پیوستن به پروتکل الحاقی، تعهدات دولت‌هایی که عضو پیمان‌هایی هستند که هدف از آن ایجاد چنین مناطقی است توسط مجمع عمومی معین شده است (Res-3472, 1975).

جزئیات این تعهدات نیز در چارچوب دستورالعمل‌های کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۹۹ مشخص شده‌اند (شورای امنیت، ۲۰۰۹). تصور عموم بر این است که اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و احتمالاً سایر بازیکنان بین‌المللی، قطعنامه‌ها و همچنین ایجاد منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه را به‌مثابه طعمه و فرصت بری کسب مشروعیت و شناسایی اسرائیل که بدان نیاز مبرم دارد در خاورمیانه قرار داده‌اند. از نظر اسرائیلی‌ها و برخی کشورها، با استفاده از جذابیت خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل در آینده نامعلوم و ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌توان مذاکرات دو و چندجانبه بین اسرائیل و کشورهای خاورمیانه را بر اساس نوعی مکانیسم بین‌المللی، ترتیب داد. این طرح، سودی که نصیب اسرائیل می‌شود سال‌ها همراهی، مذاکره و شراکت تدریجی با برخی کشورها خاورمیانه است که به شناسایی اسرائیل و دائمی شدن اشغال سرزمین‌هایی منجر می‌شود که کشورهای عربی و اسلامی در هر حالت دیگر آن را غیرقانونی و ظالمانه می‌دانند. گفته می‌شود اسرائیل دارای ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای در زرادخانه خود دارد که مطرح‌شدن رژیم صهیونیستی به‌عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای این موضوع باعث شده است تا نوعی اعتماد به نفس کاذب پدید آورده است که در سایه آن جسارت رد کردن هرگونه طرح صلح عادلانه را بدون ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه باعث از بین رفتن غرور خودبینی اسرائیل می‌شود و آن را به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل عدم تحقق خاورمیانه‌عاری از سلاح هسته‌ای مطرح می‌کند و استدلال اسرائیل برای بازدارندگی هسته‌ای در مقابل اعراب و ایرانیان غیرمنطقی است زیرا شرایط بازدارندگی بر اسرائیل صدق نمی‌کند. توازن متعارف در منطقه

خاورمیانه همچنان که در جنگ‌های اعراب و رژیم اسرائیل به چشم می‌خورد همواره به نفع رژیم صهیونیستی بوده است و علاوه بر آن آمریکا به عنوان کشوری که خودش را ابرقدرت قلمداد می‌کند تضمین برتری و استراتژیک در خاورمیانه را جزء لاینفک استراتژی و امنیت ملی خود می‌داند گرچه به سختی می‌توان تصور کرد که آمریکا بدون برخورداری رژیم صهیونیستی از زرادخانه هسته‌ای قادر به تضمین این حاشیه امنیتی برای اسرائیل نباشد.

یکی دیگر از اثرات تحقق خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای در حالت خوش‌بینانه وادار کردن اسرائیل به دست برداشتن از لجاجت و پذیرش بیشتر فرآیند صلح خواهد بود؛ بنابراین تحقق خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای مشکل و تا حدودی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد اما رویکرد قدم‌به‌قدم، تغییری در نظر و عقیده‌ها، اقدامات اطمینان‌ساز و اراده‌ای متهورانه را برای نجات نسل‌های بعدی از بلایای جنگ، به گونه‌ای که در منشور سازمان ملل آمده است اقتضا می‌کند. طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دارای منطق و پشتوانه فکری و سیاسی شده است و پرداختن به این موضوع می‌تواند موجب نوعی ترتیبات امنیتی شود که به در بلندمدت منجر به ایجاد یک اجتماع امنیتی و امنیت پایدار شود. موضوع فریب از سوی کشورهای عرب خاورمیانه مطرح می‌شود آنان معتقدند که قدرت‌های بزرگ و آمریکا و سایر کشورها که بر روی اسرائیل نفوذ دارند، در واقع با تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی موجبات فری جمعی را فراهم کردند تا با تمدید نامحدود آن پی‌تی موافقت نمایند و کشورهای عربی را هم که تا سال ۱۹۹۵ به آن پی‌تی نییوسته بودند معجب کنند که این کار را انجام دهند (موسویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

در عمل نیز قدرت‌ها تاکنون قصد و یا طرحی برای فشار به اسرائیل برای نابودی زرادخانه‌های هسته‌ای خود و الحاق به آن پی‌تی و قرار دادن تأسیسات هسته‌ای این کشور تحت نظارت سیستم پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نداشته‌اند. اسرائیل علاوه بر نییوستن به آن پی‌تی به ۲۶ قطعنامه مجمع عمومی و ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل که خواستار ایجاد مناطق عاری از سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه شده است بی‌اعتنایی می‌کند و مرتبط نمودن رویه انهدام زرادخانه عراق به سایر دولت‌های خاورمیانه جهت از میان بردن زرادخانه‌های آنان و از جمله زرادخانه اسرائیل بدون تردید بی‌سابقه بوده است که شورای امنیت برای پرهیز از هرگونه اتهامی مبنی بر جانب‌داری از اسرائیل، مصمم به آن شده است (Sur, 1991: 53). شورای امنیت برای تحقق این خواست در قطعنامه ۶۸۷، مصوب ۳ آوریل ۱۹۹۱، با الزاماتی سخت عراق را مجبور کرد تا بدون هیچ قید و شرطی انهدام، برچیدن یا خنثی‌سازی تمامی سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک و ذخایر پیش‌سازها را تحت نظارت بین‌المللی بپذیرد و برای همیشه از دستیابی به سلاح هسته‌ای چشم‌پوشد. بند ۱۴ این قطعنامه باید گامی در استقرار خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه باشد اما متأسفانه اعضای شورای امنیت که خود ۵ قدرت هسته‌ای به رسمیت شناخته شده هستند نیز در این زمینه اقدام مناسب خلع سلاحی را در برخورد با رژیم صهیونیستی از خود نشان نمی‌دهند.

منطقه خاورمیانه تا حد زیادی با منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آفریقا هم‌پوشی دارد ولی هدف آن در وهله اول اسرائیل است که از پیوستن به پیمان عدم اشاعه هسته‌ای امتناع می‌ورزد. اسرائیل به داشتن توانایی‌های مربوط به سلاح‌های هسته‌ای اذعان دارد ولی در اختیار آن را تا سال ۲۰۰۶ که نخست‌وزیر آن صریحاً آن را اعلام کرد نه تأیید و نه رد می‌کرد.

به‌هرحال بعید به نظر می‌رسد که خاورمیانه کامل از عاری از سلاح هسته‌ای تا قبل از فرایند صلح که به تهدیدات استفاده از زور در منطقه پایان خواهد داد روی دهد (Csermeny, 2004:28). تاکنون نیز هیچ رژیم برای جلوگیری از هسته‌ای شدن خاورمیانه تشکیل نشده و مهم‌ترین عامل به نتیجه نرسیدن این فکر اسرائیل بوده است. اسرائیل پرداختن به مسئله خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را منوط به حل اختلافات با فلسطین، سوریه و ایران می‌داند. به همین دلیل تاکنون سه منطقه پر خصومت هنوز منطقه عاری از سلاح هسته‌ای شکل نگرفته است که شامل اروپا، خاورمیانه و آسیای جنوبی است کنفرانس بررسی و تمدید معاهده عدم اشاعه نیز به‌نوبه خود روند صلح خاورمیانه به سمت تحقق چنین هدفی سوق داده است و از دولت‌های منطقه خواسته است که اقدامات مؤثری در این مورد انجام دهند.<sup>۱</sup>

تردید نیست که پیوستن رژیم صهیونیستی به معاهده عدم اشاعه می‌تواند آغازی برای مذاکرات همراه با حسن نیت برای خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای باشد.<sup>۲</sup> در سال‌های اخیر کشورهای منطقه خاورمیانه به‌صورت مکرر خواهان ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه شده‌اند و این موضوع در بیانیه هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی نیز مطرح شده است این قطعنامه به نفع ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه اعلام موضع کرد و دولت‌های منطقه که آن زمان هنوز به‌نظام عدم اشاعه نپیوسته را برای پیوستن به‌نظام عدم اشاعه بدون تأخیر دعوت می‌کند تصویب این قطعنامه مورد تأیید دولت‌های عرب که خواهان پایان انباشت سلاح‌های هسته‌ای توسط اسرائیل و نگران معلق ماندن نامحدود آن. پی. تی بوده‌اند، قرار گرفت باوجود اینکه این قطعنامه به‌طور صریح از اسرائیل نام نبرده بود.<sup>۳</sup> اما در واقع، گزارش کمیسیون سوم که مبنای این قطعنامه بوده است، به‌صراحت از اسرائیل نام می‌برد (Mohammad, 1995:176). وجود همین اطلاعات در مورد برنامه هسته‌ای اسرائیل اوضاع منطقه خاورمیانه بحرانی‌تر و وضعیت امنیتی آن پایدارتر می‌شود و لازم است برای ایجاد چنین منطقه‌ای کشورهای منطقه باید با شفافیت در سطح برنامه‌های نظامی و ایجاد اعتمادسازی به یک ثبات امنیتی دست یابند.

در زمان کنفرانس بازنگری آن. پی. تی در سال ۲۰۰۰ به این مسئله دوباره پرداخته شد و این بار دولت‌های عرب موفق شدند تا در سند نهایی با اشاره صریح به اسرائیل، بر این نکته که این رژیم تنها دولت خاورمیانه است که به این پیمان نپیوسته، تأکید نمایند.<sup>۴</sup> دولت‌ها دارای انرژی هسته‌ای باید حق تفکیک‌ناپذیر همه دولت‌های عضو این پیمان برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را محترم شمارند، به‌بیان‌دیگر حق دولت‌ها را برای در اختیار گرفتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای همراه با غنی‌سازی اورانیوم و همچنین حق آن‌ها را برای دسترسی به بازار بین‌المللی سوخت هسته‌ای، دولت‌های مجهز به سلاح هسته‌ای نیز، همان‌گونه که بر اساس ماده ۶ پیمان به این امر متعهد شده‌اند، در نهایت مذاکراتی جهت رسیدن به توافقی در رابطه با خلع سلاح عمومی و کامل را با حسن نیت به انجام رسانند (Res-1887, 2009). یا این حال این

<sup>1</sup>Doc. CD/989 in 20 avril 1990

<sup>2</sup>A/C1/51/L. 4 Rev. I. in 1996

<sup>۳</sup> رجوع کنید به: گزارش دبیر کل در رابطه با ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

A/45/435 – 10 October 1990.

CD/1989 – 20 Aril 1990

<sup>4</sup>NPT/CONF. 2000/28.

موضوع باعث نمی‌گردد تا دولت‌های غربی و در رأس آن‌ها آمریکا به رفتار جانب‌دارانه خود نسبت به اسرائیل به هنگام کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۰۵ ادامه ندهند، از همین رو در این کنفرانس هیچ تصمیمی در رابطه با ایجاد سازوکاری برای پیگیری قطعنامه سال ۱۹۹۵ در مورد خاورمیانه اتخاذ نشد.<sup>۱</sup> پس از آن دولت‌های عرب که احساس کردند در آن مسئله فریب خوردند مصمم شدند تا در نشست آینده کنفرانس بازنگری پیمان در سال ۲۰۱۰، جهت نشان دادن قاطعیت خود نسبت به این امر استفاده کنند؛ این دولت‌ها مسئله تمدید نامحدود پیمان منع گسترش و موضوع ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای به یکدیگر مرتبط بوده یک موضوع اجتناب‌ناپذیر است عدم تعهدپذیری نسبت به ایجاد این منطقه در واقع معنایی جز بی‌اعتبار کردن تصمیمات که در کنفرانس سال ۱۹۹۵ در رابطه با تمدید نامحدود پیمان اتخاذ شده، نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

این امیدواری بود که کنفرانس بازنگری ان. پی. تی در سال ۲۰۱۰ بتواند این پیمان را تقویت کند و در راستای اهداف "واقع‌گرایانه قابل حصول" در سه اصل بناشده را وضع کند که عبارت بود از: منع گسترش، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و خلع سلاح.<sup>۳</sup> اهدافی که محقق شدن آن مانع از در هم شکستن رژیم منع گسترش که بر پایه این پیمان ایجاد شده است، خواهد شد و بر جاذبه آن برای دولت‌ها خواهد افزود. با وجود این همان‌گونه که از کارهای مقدماتی کنفرانس سال ۲۰۱۰ نیز می‌توان حدس زد، امیدواری‌هایی در رابطه با اجرایی شدن سازوکاری جهت پیگیری قطعنامه مربوط به خاورمیانه توسط این کنفرانس وجود داشت، هرچند که این موضوع به برگزاری کنفرانس دیگری با شرکت دولت‌های خاورمیانه به ۲۰۱۲ موکول شد (Johnson, 2010). بدیهی است که دولت‌های خاورمیانه که در منطقه‌ای بحرانی قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند تنها به موافقت‌نامه‌های پادمانی که با آژانس منعقد کرده‌اند بسنده کنند و ترتیبات دیگری جهت اعتمادسازی که برخی دارای بعد سیاسی است باید به منظور تحقق شرایط لازم برای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح کشتار جمعی منعقد شود. صرف نظر کردن از سلاح‌های هسته‌ای اسرائیلی که همواره برای تأمین امنیت خود به زرادخانه سلاح‌ها هسته‌ای اتکا داشته است پیش از دست یافتن به صلح چندان محتمل نیست که این رژیم اقدامی جدی در این زمینه انجام دهد مرتبط دانستن ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای با مسئله گفتگوهای صلح با دولت‌های عربی، موضوعی است که بارها مورد اشاره اسرائیل قرار گرفته است.<sup>۴</sup> علاوه بر آن اسرائیل خواهان آن شده دولت‌های عرب، به منظور انجام اقداماتی بیشتر جهت اعتمادسازی، به‌طور جدی سطح سلاح‌های متعارف خود را نیز کاهش دهند.<sup>۵</sup> دولت‌های غرب چنین پیشنهادی را نپذیرفته‌اند، چراکه برخلاف دیدگاه اسرائیل این دولت‌ها بر این باورند که ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌تواند به استقرار صلح در خاورمیانه کمک کند.<sup>۶</sup>

با در نظر گرفتن نبردهای اسرائیل باید اذعان نمود که برتری تسلیحات متعارف اسرائیل در مقایسه با کشورهای همسایه به‌گونه‌ای است که اگر این رژیم از زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای خود که دارای کار آیی نظامی است صرف نظر کند، تأثیری

<sup>۱</sup>NPT/ CONF/2005/5.

<sup>۲</sup>NPT/CONF. 2005/ WP.40.

<sup>۳</sup>GOV/2009/44 Add.1, GC( 53) 12 Add. 1,20 out 2009

<sup>۴</sup> اظهارات آریل شارون، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل.

Cf. the Washington Times, 8 July 2004 at GOV/2004/61/Add. GC(48) 18 Add. 1.

<sup>۵</sup> رجوع کنید به: اظهارات نماینده رژیم صهیونیستی در چهل و سومین کنفرانس عمومی آژانس در سال ۱۹۹۹

<sup>۶</sup> رجوع کنید به: اظهارات نمایندگان عربستان، مصر و الجزایر در نشست شورای حکام، در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹



چندانی در سیاست بازدارندگی این رژیم نخواهد گذاشت. در برابر می‌توان امیدوار بود که خلع سلاح اسرائیل، پایانی باشد بر غرور و ماجراجویی این رژیم تا گردانندگان آن احترام بیشتر برای طرح‌هایی به آن‌ها پیشنهاد شده، قائل شوند (موسویان و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۲۰). در چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد که تمام دولت‌هایی که قلمروی تحت حاکمیتشان در منطقه عاری از تسلیحات از جمله ایران قرار خواهد گرفت، در این روند مشارکت کنند. در زمانی که باید منتظر ماند تا شرایط سیاسی مناسبی برای شروع چنین تحولی فراهم آید، مذاکرات غیررسمی می‌توانند در سطح کارشناسان دولت‌ها به منظور پیشنهاد اقداماتی جهت اعتمادسازی آغاز شود. مدیرکل آژانس در خاورمیانه، ضمن پیشنهاد تشکیل نشست در این رابطه، از چنین راه‌حلی حمایت کرده است.<sup>۱</sup> این پیشنهاد از سوی دیگر، تأیید کنفرانس عمومی آژانس که در سال ۲۰۰۹ تشکیل شد را نیز به دست آورد.<sup>۲</sup> تضمین دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد متعهد نمودن دولت‌های منطقه نسبت به عدم حمله یا تهدید به حمله تأسیسات هسته‌ای است، این تعهد از آنجا دارای اهمیت ویژه‌ای است که اسرائیل بارها این رویه را تکرار کرده است. حمله و انهدام تأسیسات تموز عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ و پس از آن تأسیسات<sup>۳</sup> دیرالزور سوریه در ۷ سپتامبر ۲۰۰۷، همچنین تهدیدهای چندباره علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، رژیم صهیونیستی تمام این اقدامات را با استناد به دفاع مشروع پیشگیرانه توجیه می‌نماید. شورای امنیت چنین توجیهی را نپذیرفته است؛ این شورا یک روز پس از حمله اسرائیل به تموز از این رژیم می‌خواهد تا در آینده از این گونه حمله‌ها یا تهدید به انجام آن پرهیزد.<sup>۴</sup> قابلیت گرد هم آوردن بازیگران اصلی در آینده توسط کمیسیون گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است که این پیشنهاد ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را در چارچوب یک صلح فراگیر توصیه می‌کند (گزارش کمیسیون سازمان ملل درباره سلاح‌های کشتار جمعی، ۲۰۰۶) از آن زمان، هم در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و هم طی عمومی آژانس در رابطه با ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، ضرورت اتخاذ اقدامات مناسب جهت منع حمله‌های نظامی در برابر تأسیسات هسته‌ای مورد تصریح قرار گرفت. موضوع خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای تبدیل به یک موضوع دشوار و اختلاف‌برانگیز در میان کشورهای منطقه و پنج قدرت دارنده سلاح هسته‌ای شده است تا آنجا که محتوا و چگونگی توافقی در رابطه با ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه به‌طور کلی مبهم باقی مانده است (Res. 52, 1997). برخی از دلایلی که مناطق عاری از سلاح هسته‌ای شناسایی نمی‌شوند مسائل سیاسی و امنیتی است اما شکل‌گیری این مناطق به‌عنوان یک هنجار مثبت بین‌المللی به شمار می‌رود، اراده کشورها برای عملی کردن آن ادامه دارد.

## جمع‌بندی

<sup>1</sup>GOV/2009/44/Add. 1 GC(53) 12- 20 Avril 2009.

<sup>2</sup>DEC GC(44) DEC/12.

<sup>3</sup>. یادداشت شفاهی نماینده ایران در سازمان ملل متحد

Cf. INFCIRC/687, 21 novembre 2006

<sup>4</sup>. Res. 687 – 3 Avril 1991.

خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان است که در آن تضادهای متعدد منافع قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای وجود دارد. به سبب همین تعارض‌ها بحث امنیت یکی از موضوعات اساسی این منطقه است چراکه هرگونه ناامنی در این منطقه محدود به آن نبوده و می‌تواند دامنه جهانی به خود بگیرد. علی‌رغم اینکه قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه از بحث خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دفاع می‌کنند اما به سبب مخالفت رژیم اسرائیل و حمایت آمریکا از آن روند تحقق آن با مشکلات جدی مطرح شده است. اولین قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در سال ۱۹۷۴ در مجمع عمومی با ابتکار ایران و مصر به تصویب رسید. از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۷ مجمع عمومی همه‌ساله در این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و سالانه قطعنامه‌های را در این مورد علی‌رغم مخالف اسرائیل به تصویب رساند اما در سال ۱۹۸۰ برای اولین بار طرح قطعنامه پیشنهادی با اجماع پذیرفته شد. از سال ۱۹۸۰ موفقیت عظیمی در روند خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای رخ داد از این سال تا ۱۹۹۷ همه قطعنامه‌ها به صورت اجماع یعنی با حمایت اعراب و ایران و حتی رژیم صهیونیستی تصویب شد. در اولین پیش‌نویس قطعنامه اسرائیل در سال ۱۹۸۰ از همه دولت‌های خاورمیانه و مجاور این منطقه می‌خواهد در اسرع وقت به منظور مذاکره در مورد معاهده برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه اقدام کنند. تفاوت طرح مصر و رژیم صهیونیستی تفاوت نظر و دیدگاه‌های نسبت به پیمان عدم اشاعه آژانس بین‌المللی اتمی نهفته است: دولت مصر پیدایش نظام حقوقی تنظیم تسلیحات در خاورمیانه را موکول به الحاق کلیه کشورها به آن پی تی و نیز پذیرش نظام بازرسی‌های جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داند (همه کشورهای منطقه عضو هستند به جز رژیم صهیونیستی) اما رژیم صهیونیستی ایجاد نظام حقوقی را جایگزین پیمان عدم اشاعه می‌داند و بازرسی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را ناقض می‌داند و بر این اعتقاد است که اقدامات نظارتی و تحقیقاتی باید به تنهایی توسط دولت‌های منطقه مورد مذاکره قرار گیرد. در کل موضع پنج عضو اصلی و دارنده سلاح هسته‌ای در ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دوگانه بوده است مثلاً آمریکا در زمان تصویب قطعنامه ۳۶/۸۷ که در محکومیت اسرائیل به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای و غیرهسته‌ای عراق رأی مخالف صادر کرد. در میان کنفرانس‌های بازنگري معاهده عدم اشاعه، کنفرانس سال ۱۹۹۵ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که به نام کنفرانس تمدید و بازنگري معاهده نام‌گذاری شد. در سال ۱۹۹۵ در جلسات مقدماتی آن موضوع خلع سلاح هسته‌ای به عنوان شرط ضروری برای تمدید معاهده از سوی تعداد قابل توجهی از کشورها مطرح شد. موضع مشترک کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز بر این مبنا شکل گرفت که دیدگاه خود را بر روح معاهده و نیز وظیفه مندرج در ماده ۶ آن بنا نهند. همچنین مهم‌ترین اقدام قابل توجه در زمینه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای دستاورد تمدید آن پی تی در سال ۱۹۹۵ است که طی آن کشورها عضو معاهده با اکثریت آرا سند پایانی را تصویب کردند. البته با انتقاداتی که از سازوکار آژانس بود معاهده عدم اشاعه، روش مورداستفاده در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با نام پادمان هسته‌ای جهت کسب اطمینان از عدم انحراف فعالیت‌های صلح‌آمیز به فعالیت‌های نظامی را به عنوان سازوکار نظارتی خود مورد شناسایی قرار گرفت. با این حال اختلافات بر سر مسئله هسته‌ای پیش آمد چرا که کنفرانس که ۱۹۹۵ که بعد از خلع سلاح عراق صورت گرفت چنین مطرح شد که عموم کشورها غیر از عراق و کره شمالی، به تعهدات خود بر اساس ماده ۲ عمل کرده‌اند، در حالی که کشورهای عدم تعهد معتقد بودند که قدرت‌های هسته‌ای به تعهدات خود بر اساس ماده ۱ عمل نکرده‌اند. گام دیگری که به ابتکار ایران طرح و کنفرانس آن را تأیید کرد این بود که آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی تنها نهاد ذیصلاح برای نظارت بر ان پی تی هست و هر کشوری که در تأیید رعایت پایبندی کشوری دیگر تردید داشته باشد، بایستی اطلاعات خود را همراه با شواهد و دلایل کافی به آژانس ارائه کند. اقدام بعدی کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۹۶ و تهیه و ارائه متن مورد توافق کلیه کشورهای عضو بازمانده بود. در کنفرانس سال ۲۰۰۰ آمریکا برای نخستین بار پذیرفت که در سند نهایی نام رژیم صهیونیستی اسرائیل به عنوان رژیم که اقدام به تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای می‌کند، ذکر شود و کشورهای خاورمیانه به طور یکپارچه در این اجلاس وجود زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل را به عنوان تهدیدی جدی برای منطقه دانستند و نسبت به امحای آن تأکید کردند. همچنین ۱۸۲ کشور فاقد سلاح هسته‌ای در جهان نیز بر این نکته تصریح کردند که رژیم صهیونیستی اسرائیل با برخورداری از زرادخانه بزرگ هسته‌ای تاکنون به انحای مختلف از امضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای طفره رفته است. کنفرانس هفتم بعد از تشکیل جلسات متعدد نتوانست سند نهایی را بر مسائل مهم و مورد نظر تنظیم کند اما این شکست تنها به دلیل عدم تصویب سند نهایی شکست نخورد بلکه به دلیل فقدان یک استراتژی مطمئن برای نشان دادن موضوعات و ایده‌های اساسی ناکام ماند ولی کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ برای عملیاتی کردن ۱۳ گام عملی کنفرانس بازنگری ۲۰۰۰، طرح‌های توسعه درباره اجرای قطعنامه خاورمیانه که در کنفرانس ۱۹۹۵ مورد قبول واقع شد و قبول تضمین‌های امنیتی غیر مشروط برای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرد. در کل باید گفت مهم‌ترین مانع تحقق خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای سیاست دوگانه غرب و نبود اراده لازم برای وادار کردن اسرائیل به دست برداشتن از لجاجت و پذیرش مفاد قطعنامه‌ها است.

- ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۴)، راه ناهموار مجلس هفتم، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- تلکس وی (۱۳۷۹)، سند نهایی اجلاس ویژه خبرگزاری ج.ا.ایران مروری بر پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای، ۱۳۷۹/۳/۱.
- تلکس ویژه خبرگزاری ج.ا.ایران (۱۳۷۹)، آمریکا مسابقه تسلیحاتی جدیدی را در جهان دامن میزند، ۱۳۷۹/۲/۸.
- تلکس ویژه خبرگزاری ج.ا.ایران، جامعه جهانی رژیم اسرائیل را ملزم به پیوستن NPT کرد، ۱۳۷۹/۲/۱۴.
- جلیلی، رضا (۱۳۹۲)، نشست کمیته مقدماتی نشست ۲۰۱۵ بازنگری، تیر ۱۳۹۲.
- دریایی، محمدحسن (۱۳۸۷)، بررسی کنفرانس‌های بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۲ و ۳۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.
- سیف، سمیرا (۱۳۸۴)، چرا کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵ ان پی تی، شکست خورد؟ پژوهش‌نامه خلع سلاح، شماره یک شورای امنیت (۲۰۰۹)، قطعنامه ۱۸۸۷ شورای امنیت ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ بند ۱۳.
- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۱)، آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، معاونت همکاری‌های دفاعی و امور بین‌الملل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱.
- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۱)، آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- گزارش کمیسیون سازمان ملل درباره سلاح‌های کشتارجمعی (۲۰۰۶). 10 July 2006. A/60/934 – قابل دسترس: <http://archive.ipu.org/splz-e/unga07/blix.pdf>
- متین، اردلان (۱۳۸۴)، کنفرانس‌های گذشته بازنگری ان پی تی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- موسویان، سید حسین؛ زمانی نیا، امیرحسین؛ سوری، سهراب (۱۳۸۷)، خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای عاری از سلاح کشتارجمعی: چشم‌انداز جدید، فصلنامه راهبرد، سال: شانزدهم، شماره ۴۸، تابستان ۸۷، ۲۱۵-۲۲۴.
- هیرو، فیلیپ (۱۳۸۴)، ایران-غرب و ان پی تی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- Annan, Kofi (2005) press conference, secretary general Kofi Annan (sep.13,2005),  
 Claudia, Baumgart; Harald,Muller (Winter 2004-2005)A Nuclear weapon – Free zone in the middle East: A Pie in the Sky? The Washington Quarterly, <http://www.un.org/news/briefing/ddocs/2005/sgsm10089.doc.htm>.this press conference was in regard to the outcome document of the September 2005 world summit at the UN.ld.
- Gronoff,Johnathan (2005), the nuclear non pro liberation treaty and its 2005 review conference: a legal and political analysis, international law and politics, no 1005,2005.
- Islamic Republic of Iran (2005), “Concluding Statement by H. E. Dr. M. Javad Zarif, permanent representative of the Islamic Republic of Iran to the UN, at the 2005 NPT Review Conference,” New York, May 27, 2005, <http://www.reachingcriticalwill.org/legal/npt/RevCon05/GDstatements/Iranfinalstate.doc>, pp. 2-3.
- Islamic republic of Iran(2005), "concluding by H.E.Dr.M.javad zarif,permanent representative of the Islamic republic of Iran to the un, at the2005 NPT review conference , " new York, May 27,2005 <http://www.reching.org/legal/npt>

Johnson, Rebecca, " Enhanced Prospects for (2010) ,An Analysis on the Third prepCom and Outlook fot the 2010 NPT Review Conference", Arms Control Today, June 2009 and Meetings Coverage,DC/3243, NPT Review conference 16 Meeting (PM).

Kalinowski, Martine B.(1998), Step towards a Weapons of Mass destruction Free Zone in the Middle east , International Network of Engineers and Scientists against Proliferation

Martin ,James (2013), NPT briefing book, center for non-proliferation studies Monterey institute of international studies a graduate school of Middlebury college, (2013 edition)

Mohammad , Shaker (1995)," Non Proliferation Conference and Arms Nuclear " New – York – Avril- may1995, AFDI, 1995, p, 176.

NPT/CONF. 1995/32Decisition I, 11 may 1995.

NPT/CONF.1995/32(PARTI). Final Document. Part 1. Organization and work of the Conference

Prawitz, Jan.; Leonard, James F (1996), A zone free of weapons of mass destruction in the Middle East , UN Institute for Disarmament Research

Reachingcriticalwill (2005), Luxembourg," statement by Nicolas Schmidt, minister delegate for foreign affairs of Luxembourg, on behalf of the European union  
 ",newyourk,may2,2005,<http://www.reachingcriticalwill.org/legal/NPT/recon05/GDstatements/Luxembourg-EU.pdf>,p.10

Res. 3472- 11 December 1975

Res. 52/34 December 1997 General assemble united Nation and Res. 533 GC(XXXIV) in December 1990

Res.1887. – 24 September 2009

S/RE/687 (1991) , Available at: <http://www.un.org/depts/unmovic/documents/687.pdf>

Sur, Sarge, (1991),Resolution 687 security Consul and affairs the Golf: problems and retablissement the pace and assurance the pace, AFDI

UN(1997), Nabil Elaraby: the Establishment of a Nuclear – Weapon – Free – Zone in the Middle East, in Nuclear - Weapon- Free – Zone in the 21st century, Edited by p. CASPARINI Alves and D.B. CIPOLLONE, united Nation, UNIDIR, 1997

United Nations Office for Disarmament Affairs. (2000). 2000 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons. New York. Retrieved on 3 May 2000 from: <http://www.un.org/disarmament/WMD/Nuclear/2000-NPT/2000NPT.shtml> .

Vilmos, Csereny (2004), Building a Weapons of Mass Destruction Free Zone in the Middle East: Global Non- Proliferation Regimes and Regional Experiences (Geneva: UNIDIR, 2004) and Jozef Glodblat. : Nuclear – Weapon- Free Zones: A History and Assessment".

Washington post, 25 April 2000, p.18